

فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده  
سال سیزدهم، شماره ۴۶، بهار ۱۳۹۸: ۷-۳۹

## تدوین الگوی پایداری خانواده مبتنی بر آموزه‌های اسلامی

### در اندیشه مقام معظم رهبری

زهرا یوسفی<sup>۲</sup>

اعظم محمودزاده<sup>۱</sup>

محسن گل‌پرور<sup>۳</sup>

پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۳/۲۹

دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۵/۱۱

### چکیده

تشکیل خانواده، اساس همه تربیت‌های اجتماعی و انسانی است و جامعه اسلامی بدون بهره‌مندی از نهاد خانواده سالم، سرزنده و بانشاط امکان پیشرفت ندارد. هدف این پژوهش، تدوین الگوی پایداری خانواده مبتنی بر آموزه‌های اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری بوده است. این پژوهش، بنیادی از نوع توصیفی - اکتشافی است و با روش تحلیل مضمون، انجام شده است. بدین‌منظور، تمامی سخنرانی‌ها و پیام‌های ایشان در زمینه زن و خانواده از سال ۱۳۵۸ تاکنون از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی دفتر رهبری و حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای و کتب مرتبط، گردآوری شده و با کدگذاری آن، مضامین پایه و سازمان‌دهنده مرتبط با پایداری خانواده شناسایی شده‌اند. یافته‌ها، الگویی مشتمل بر نه مضمون سازمان‌دهنده بوده است که برخی از آنها در هیچ‌یک از نظریات حوزه زوج و خانواده به چشم نمی‌خورد. این مضامین شامل شناخت اهمیت خانواده در اسلام، خدامحوری در خانواده، بنای رابطه بر محبت و رفاقت، سازگاری، پایبندی به اخلاق اسلامی، پایبندی به حقوق و وظایف، احیای کرامت زنان، ارضای متقابل جنسی و ایفای نقش مناسب والدین زوجین می‌باشد. مضامین حاصل نشان می‌دهد که از ریشه‌های اصلی فروپاشی خانواده در مداخلات این حوزه غفلت شده است و این مضامین ظرفیت طراحی مدل پیشگیری و درمانی را دارند.

**کلیدواژه‌ها:** پایداری خانواده؛ زن؛ رهبری؛ آیت‌الله خامنه‌ای؛ اسلام؛ تحلیل مضمون

۱. دانشجوی دکتری مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان اصفهان [mrsmahmudzadeh@gmail.com](mailto:mrsmahmudzadeh@gmail.com)

۲. نویسنده مسئول: استادیار گروه روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان اصفهان

[z.yousefi1393@yahoo.com](mailto:z.yousefi1393@yahoo.com)

۳. دانشیار گروه روان‌شناسی صنعتی و سازمانی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان اصفهان

[drmgolparvar@hotmail.com](mailto:drmgolparvar@hotmail.com)

## مقدمه

سلامت و پویایی خانواده، ریشه در سلامت و شادابی همسران دارد. روابط زن و شوهر به منزله هسته اصلی خانواده، بر بسیاری از ابعاد حیات انسانی تأثیر دارد. چگونگی زندگی زناشویی می‌تواند بر رضایت یا نارضایتی فرد از زندگی، رضامندی یا نارضایتی شغلی، نحوه تربیت فرزندان و میزان موفقیت در امور مختلف زندگی تأثیر بگذارد (حیدری، ۱۳۸۶). معتبرترین شاخص برای آشفتنگی زناشویی، آمار طلاق است (هالفورد، ۲۰۰۱، ترجمه تبریزی و همکاران، ۱۳۸۴).

افزایش نرخ طلاق در جوامع مختلف طی دهه‌های اخیر حکایت از عملکرد مختل خانواده‌ها دارد. بنابر آمار رسمی کشور، در نه ماهه اول سال ۹۶ شاخص ازدواج به طلاق به ۳/۵ کاهش یافته است که این نشان از سیر صعودی افزایش طلاق در ایران دارد (سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۹۶). نرخ طلاق تنها بخشی از جمعیت کل زوجینی است که مشکلات ارتباطی دارند. گروهی از زوجین نیز هستند که بنابر دلایلی تصمیم می‌گیرند علی‌رغم وجود مشکل، به زندگی در کنار هم ادامه دهند. در سال‌های اخیر روش‌های گوناگونی برای آموزش افراد برای بهبود زندگی خانوادگی مورد توجه قرار گرفته است.

آنچه مسلم است برنامه‌های آموزشی که محور اصلی آن روابط میان‌فردی است، باید باتوجه به فرهنگ هر جامعه تنظیم شود. انتخاب هر رویکردی برای آموزش همسران بدون توجه به زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی آنها عقیم و بی‌نتیجه است و در تمامی کشورها دین و آموزه‌های آن بخش مهمی از فرهنگ را تشکیل می‌دهند (یونسی و مقصودزاده، ۱۳۹۲). در کشور ما ایران، علاوه بر دیدگاه‌های مختلف و رسوم ملی و قومی، فرهنگ اسلامی و توصیه‌های اخلاقی، اجتماعی و خانوادگی آن طی قرن‌ها در خانواده‌های ایرانی ریشه دوانده است (سالاری‌فر، ۱۳۸۵). بنابراین توجه به آموزه‌های اسلامی در مداخلات و آموزش‌های تخصصی مربوط به پربارسازی و بهبود روابط زناشویی لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

ازسوی دیگر، مطالعاتی که در ۲۵ سال اخیر انجام شده نشان می‌دهد که مذهب، عامل مهم در ازدواج و تربیت فرزند است (ماهونی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱ و شرکات و الیسون<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹ به نقل از پورمیر صالح و همکاران، ۱۳۹۴). امروزه بسیاری از پژوهشگران نقش معنویت و تأثیرات دینداری بر بهبود اوضاع

1. Mahoney
2. Sherkat & Ellison

روان‌شناختی و خانوادگی را نشان داده‌اند (سالاری فر و همکاران، ۱۳۹۵؛ طلائیان و زهراکار، ۱۳۹۴؛ قاسمی و اعتمادی، ۱۳۹۵؛ نوین و بهرامی، ۱۳۹۵ و خادمی و عابدی، ۱۳۹۳). نوایی‌نژاد (۱۳۹۲)، نیز بر این نکته تأکید دارد که باتوجه به اینکه الگوی ایرانی - اسلامی خانواده اخلاق‌محور است، فرهنگ‌سازی در جهت گسترش اخلاق اسلامی در خانواده مهم‌ترین و کوتاه‌ترین راهبرد نظری و عملی در طراحی الگوی مطلوب خانواده است.

در دیدگاه اسلامی، ازدواج و تشکیل خانواده از قداست ویژه‌ای برخوردار است و به فرموده پیامبر (ص) بنیان ازدواج، محبوب‌ترین و بهترین بنیان در نزد خداوند شناخته می‌شود (بحارالانوار و مستدرک الوسایل؛ به نقل از آیت‌اللهی، ۱۳۸۱). خداوند حکیم در کتاب آسمانی خود، قرآن، به ازدواج فرمان می‌دهد و می‌فرماید: «و البته باید مردان و زنان بدون همسر و بردگان و کنیزان نیکوکار خود را به ازدواج یکدیگر درآورید. اگر آنها فقیر باشند، خداوند به لطف خود آنها را بی‌نیاز خواهد کرد» (نور/ ۳۲). امام علی (ع) ازدواج را سنت پیامبر معرفی می‌کند و می‌فرماید: ازدواج کنید، زیرا رسول خدا (ص) می‌فرماید: «هرکس دوست دارد از سنت و روش من پیروی کند (بداند که) ازدواج شیوه و روش من است» (بحارالانوار؛ به نقل از آیت‌اللهی، ۱۳۸۱). دین اسلام در بیان اهمیت ازدواج تا بدانجا پیش می‌رود که همسر دادن فرزندان پس از بلوغ را از جمله حقوق فرزند بر پدر و مادر می‌داند (بحارالانوار؛ به نقل از آیت‌اللهی، ۱۳۸۱). در دیدگاه اسلامی، هدف اصلی ازدواج، رسیدن به آرامش روان، صمیمیت، رشد، کمال و نزدیکی پروردگار است (افروز، ۱۳۸۶؛ فقیهی، ۱۳۸۶؛ سالاری فر، ۱۳۸۵).

پروردگار حکیم در کتاب آسمانی خود، والاترین هدف و دستاورد ازدواج را رسیدن همسران به آرامش روان معرفی می‌کند و ریشه‌گرایی مرد به زن و آرمیدن او در سایه انس به زن را مودت و رحمت و یا همان محبتی می‌داند که خداوند بین آنها قرار داده است. «از جمله نشانه‌های او این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان دوستی و مهربانی قرار داد. در این نشانه‌هایی است؛ برای گروهی که تفکر می‌کنند» (روم، ۲۱). خداوند متعال باتوجه به ویژگی‌ها، توانمندی‌ها و نیازهای گوناگون و متفاوت زن و مرد، برای هر یک حقوقی قرار داده و آنها را به ادای آنها مکلف کرده است. آنچه مسلم است آگاهی از این حقوق مهم‌ترین پیش‌زمینه ارتقای کیفیت زندگی مشترک همسران و افزایش رضایت زناشویی و لازمه تعهد و پایداری به آنهاست. در آموزه‌های اسلامی ارضای نیازهای جنسی و رفتار شایسته با

همسر از جمله حقوق مشترک همسران شمرده می‌شود.

از دیدگاه اسلام، ارضای نیازهای جنسی زن و مرد یکی از مهم‌ترین اهداف ازدواج محسوب می‌شود (سالاری فر، ۱۳۸۵). از همین رو، دین اسلام، آموزش‌های زیادی در این زمینه ارائه کرده و برای بهبود عملکرد جنسی همسران راهکارهایی مانند آراستگی همسران، لزوم پیش‌نوازی در رابطه جنسی و نقش فعال زن در رابطه جنسی و پرهیز از آزادی‌های جنسی و رعایت حدود و مرزها را ارائه کرده است. خوش‌رفتاری با همسر، دومین حق مشترک همسران است.

رفتار شایسته و خوش‌رفتاری همسران سبب استمرار احساس رضایت‌مندی زناشویی اولیه و افزایش صمیمیت آنها خواهد شد. قرآن مجید از این رفتار شایسته به «معاشرت به معروف» یاد کرده و بارها از آن سخن گفته است که به‌عنوان نمونه می‌توان به (نساء / ۱۹ و طلاق / ۲) اشاره کرد. معاشرت به معروف که در آیات قرآن و روایت‌ها مورد تأکید قرار گرفته است، از نظر علامه طباطبایی، مفسر بزرگ شیعه به آداب و شیوه‌های رفتاری مناسب در یک جامعه گفته می‌شود که عقلای آن به رسمیت می‌شناسند یا هر عملی که افکار عمومی آن را رفتاری شناخته شده و مأنوس بداند و با ذاتقه، اهل هر اجتماعی سازگار باشد (طباطبایی، ۱۳۹۴، ج ۲: ۳۴۹). برخی نیز معروف را به معنای شیوه‌های رفتاری مطلوب در هر جامعه مادام که خلاف شرع نباشد، گرفته‌اند (عبده؛ به نقل از سالاری فر، ۱۳۸۵). بنابراین، تعریف احترام متقابل، عفو و گذشت، خوش‌گمانی و بردباری، نمودهایی از رفتار به معروف و یا همان خوش‌رفتاری همسران و پرخاشگری، ناسزاگویی، عیب‌جویی و خودبرتربینی از نمودهای بدرفتاری همسران محسوب می‌شود (حیدری، ۱۳۸۶؛ صادقیان، ۱۳۸۷؛ انصاریان، ۱۳۸۵) که در آموزه‌های اخلاقی دین اسلام به‌خوبی تشریح شده و راهکارهای آراسته‌شدن به این فضایل اخلاقی بیان شده است.

در هر حال، کاستی‌های موجود در پیش‌فرض‌ها، مبانی و روش‌شناسی مکاتب روان‌شناسی غربی از یک سو و غنای آموزه‌های اسلامی در زمینه زوج و خانواده و لزوم توجه به فرهنگ ایرانی اسلامی در پژوهش‌های این حوزه از سوی دیگر، از زمره مهم‌ترین دلایلی است که ضرورت انجام پژوهش‌های اسلامی در این زمینه را نشان می‌دهد. در همین راستا، مقام معظم رهبری، در بیانات خود، بارها لزوم استفاده از تعالیم ناب و مترقی اسلام در قرآن و حدیث در زمینه خانواده را گوشزد کرده‌اند: «ده‌ها نظریه و الگوی مترقی در همین زمینه زن و خانواده می‌شود استخراج کرد. اینها نظریه پردازی بشود، تئوریزه بشود، با جوانبش، با اجزایش، تدوین بشود و ارائه بشود؛ اینها

کارهای میان‌مدت و بلندمدتی است که حتماً بایستی انجام بگیرد» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴/۱۰/۱۳۹۰). برای بررسی دیدگاه اسلام در زمینه عوامل پایداری و انسجام خانواده، یکی از راهکارها، تحلیل اندیشه اسلام‌شناسانی چون مقام معظم رهبری در این زمینه است.

آیت‌الله خامنه‌ای از یک سو اسلام‌شناس و نظریه‌پرداز خبره و معاصر در علوم اسلامی و آگاه به فرهنگ ایرانی است که به دلیل جایگاه سیاسی خود به‌عنوان رهبر جمهوری اسلامی ایران، بر مسائل، مشکلات و نیازهای جامعه اشراف دارند و از سوی دیگر، موضوع ازدواج و خانواده و مسائل مربوط به آن، یکی از موضوعات در سخنان ایشان است، به طوری که مسئله زن و خانواده را، جزو مسائل درجه یک کشور می‌دانند (۱۴/۱۰/۱۳۹۰). به علاوه، حفظ انقلاب اسلامی و ارزش‌های آن و تحلیل این گفتمان و ایجاد الگوهای بومی بر مبنای آن، مستلزم شناخت صحیح از اندیشه‌ها، دیدگاه‌ها و گفتمان امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای می‌باشد.

آنچه از جستجوی گسترده در پایگاه‌های اطلاعاتی بر می‌آید آن است که با وجود غنای بیانات ایشان در زمینه زوج و خانواده تا کنون سخنان ایشان در این زمینه تحلیل نشده است. نتایج چنین تحلیلی نه تنها می‌تواند اساس نظری مرتبط با راهکارهای درمانی و پژوهشی مرتبط با فرهنگ را در اختیار بگذارد، بلکه می‌تواند به تهیه قالب‌های پیشگیری و درمانی مرتبط با مشکلات خانوادگی کمک نماید. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف تدوین الگوی پایداری خانواده مبتنی بر آموزه‌های اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای انجام شده است و در واقع به این پرسش پاسخ می‌دهد که الگوی پایداری خانواده مبتنی بر آموزه‌های اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟

## روش

روش پژوهش، کیفی است و برای انجام آن از راهبرد تحلیل تماتیک (مضمون) استفاده می‌شود. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (براون و کلارک، ۲۰۰۶). به‌طور کلی، تحلیل مضمون، روشی است برای: الف) دیدن متن؛ ب) برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتبط (یافتن

روابط)؛ ج) تجزیه و تحلیل اطلاعات کیفی؛ د) مشاهده نظام مند و ه) اندازه گیری داده های کیفی (بویاتریس، ۱۹۹۸). فرایند کامل تحلیل مضمون را می توان به سه مرحله کلان تقسیم نمود: الف) تجزیه و توصیف متن، ب) تشریح و تفسیر متن، ج) ادغام و یکپارچه کردن مجدد متن.

حوزه پژوهش شامل بیانات مقام معظم رهبری، از جمله تمامی سخنرانی ها، مصاحبه ها و پیام های ایشان در حوزه های مرتبط با ازدواج، خانواده و زن است که از سال ۱۳۵۹ تاکنون ایراد شده است و از سایت رهبری و پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای و کتب مرتبط گردآوری شده است. این منابع به صورت سطر به سطر مورد مطالعه قرار گرفته، بررسی محتوایی، تحلیل مضمون و کدگذاری شدند. پس از کدگذاری اولیه تک تک عبارات مرتبط با خانواده و زن و مرد در بافت خانواده، کدهای مشترک در قالب کدبندی های سازمان دهنده دسته بندی شدند و در نهایت کدبندی های سازمان دهنده با وجوه مشترک و ارتباطات معنایی مشترک در قالب مضامین فراگیر دسته بندی شدند. در مرحله بعد، منابع چندین بار دیگر مورد مطالعه و بررسی دقیق قرار گرفت و مضامین به دست آمده مورد بازنگری قرار گرفتند. گردآوری و تحلیل هم زمان داده ها، یعنی تعامل متقابل بین آنچه که دانسته می شود و آنچه باید دانسته شود و رفت و برگشت بین داده ها و تحلیل، جوهر دستیابی به روایی و پایایی است (دانایی فرد، ۱۳۸۷). در این پژوهش نیز گردآوری و تحلیل هم زمان داده ها و حرکت مکرر رفت و برگشتی بین داده ها و کدها انجام شد. همچنین نتایج تحلیل مضمون به سایر اعضای گروه تحقیق ارائه و از نظرات تکمیلی و انتقادی آنان استفاده شده است و در نهایت نتایج در اختیار تعدادی از خبرگان قرار گرفت و نظرات و رهنمودهای آنان نیز لحاظ شد و برخی اصلاحات در ساختار و عناوین مضامین اعمال شد.

در مرحله بعد، منابع به کمک اساتید راهنما و مشاور، مورد مطالعه و بررسی دقیق قرار گرفت و مضامین به دست آمده مورد بازنگری قرار گرفتند. گردآوری و تحلیل هم زمان داده ها و حرکت مکرر رفت و برگشتی بین داده ها و کدها انجام شد. همچنین نتایج تحلیل مضمون به سایر اعضای گروه تحقیق ارائه و از نظرات تکمیلی و انتقادی آنان استفاده شده است و در نهایت نتایج در اختیار تعدادی از خبرگان قرار گرفت و نظرات و رهنمودهای آنان نیز لحاظ و برخی اصلاحات در ساختار و عناوین مضامین اعمال شد. برای تجزیه و تحلیل داده های کیفی، از تحلیل مضمون به روش براون و کلارک (۲۰۰۶)، استفاده شد که شامل گام های زیر است:

آشنا شدن با داده‌ها: آشنا شدن با داده‌ها، مستلزم مطالعه و مرور مکرر داده‌ها به روشی فعال است. این گام، ستون فقرات مراحل بعدی را شکل می‌دهد. در این گام است که ایده‌های خوبی درباره کدگذاری‌ها و الگوها شکل می‌گیرد.

ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری: در این گام، از کدها برای تقسیم داده‌های متنی به قسمت‌های فهمیدنی و استفاده‌پذیر مانند بند، عبارت، کلمه یا سایر معیارهایی که برای تحلیل خاص لازم است، استفاده می‌شود. کدهای موجود در چارچوب کدگذاری، باید حد و مرز کاملاً مشخص و تعریف‌شده‌ای داشته باشند به گونه‌ای که تغییرپذیر و یا تکراری نباشند. همچنین، کدها باید محدود به قلمروی تحقیق باشند و به‌طور روشن بر موضوع، تمرکز داشته باشند تا از کدگذاری هر جمله از متن اصلی، اجتناب شود. کدگذاری را می‌توان، دستی یا با نرم‌افزارهای رایانه‌ای انجام داد.

جستجو و شناخت مضامین: در این گام که به تحلیل در سطحی کلان‌تر از کدها تمرکز دارد، کدهای مختلف در قالب مضامین مرتب می‌شود و همه داده‌های کدگذاری شده مرتبط با هریک از مضامین، شناخته و گردآوری می‌شود. اساساً در این مرحله، کدها تجزیه و تحلیل و به نحوه ترکیب و تلفیق کدهای مختلف جهت تشکیل مضمون پایه، توجه می‌شود.

تشکیل و تحلیل شبکه مضامین: گام چهارم وقتی شروع می‌شود که پژوهشگر، مجموع‌هایی از مضامین را پیشنهاد دهد و بخواهد آنها را پالایش کند. همگونی درونی و فقدان همگونی بیرونی عنوان عوامل دوگانه قضاوت درباره مضامین پیشنهاد شده است. داده‌های درون هر مضمون باید به‌لحاظ معنا و مفهوم، با هم انسجام و همخوانی داشته باشد و درعین حال باید تمایزات واضح و مشخصی میان مضامین مختلف وجود داشته باشد.

تدوین گزارش نهایی: هدف از نوشتن تحلیل مضمون این است که حکایت کامل و پیچیده موجود در داده‌ها، به گونه‌ای بیان شود که خواننده درباره اعتبار و صلاحیت تحلیل پژوهشگر، متقاعد شود. مهم این است که تحلیل، حکایت مختصر و منسجم و منطقی و غیر تکراری و جالب برآمده از داده‌ها را در قالب مضامین، عرضه کند. در آخرین گام، استنتاج‌های همه شبکه‌ها، همراه با نظریه‌های مرتبط با آنها، به‌طور خلاصه، برای تبیین مضامین، مفاهیم، الگوها و ساختارهای برجسته به‌دست آمده از متن استفاده می‌شود. هدف از این کار، بررسی مجدد سؤالات تحقیق و

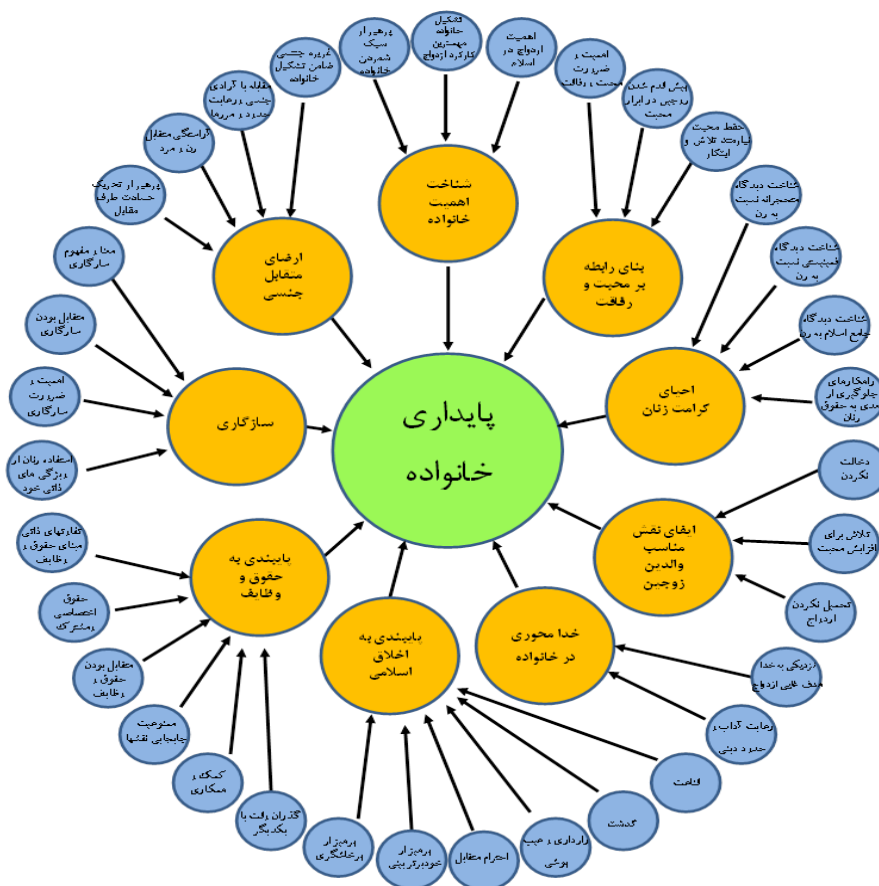
علاق نظری نهفته در آنهاست تا با بحث و بررسی عمیق الگوهای به دست آمده از تشریح متن، به سؤالات اصلی تحقیق پاسخ داده شود (براون و کلارک، ۲۰۰۶).

در این پژوهش برای تحلیل مضمون از تحلیل مقایسه‌ای استفاده شد. با این روش، داده‌های به دست آمده از منابع مختلف، با یکدیگر مقایسه و تطبیق شد و شباهت‌ها و تفاوت‌ها، شناخته شد. این فرایند تا جایی ادامه یافت که احساس شد نکته جدیدی از مقایسه داده‌ها حاصل نمی‌شود. همچنین برای نمایش مضامین از روش تحلیلی شبکه مضامین استرلینگک (۲۰۰۴)، استفاده شده است. آنچه شبکه مضامین عرضه می‌کند نقشه‌ای شبیه تارنما به مثابه اصل سازمان‌دهنده و روش نمایش است. شبکه مضامین، براساس روندی مشخص، مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی متن)، مضامین سازمان‌دهنده (مضامین به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به مثابه کل)، را نظام‌مند می‌کند؛ سپس این مضامین به صورت نقشه‌های شبکه تارنما، رسم و مضامین برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود. شبکه مضامین به صورت گرافیکی و شبیه تارنما نشان داده می‌شوند تا تصور وجود هر گونه سلسله‌مراتب در میان آنها از بین برود، باعث شناوری مضامین شود و بر وابستگی و ارتباط متقابل میان شبکه تأکید شود و درک و فهم روابط آسان‌تر شود (عابدی و همکاران، ۱۳۹۰).

### یافته‌ها

به منظور پاسخگویی به سؤال پژوهش، «الگوی پایداری خانواده بر مبنای آموزه‌های اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟» از تحلیل مضمون به روش براون و کلارک (۲۰۰۶) استفاده شد. به این ترتیب، پس از کدگذاری اولیه تک‌تک عبارات مرتبط با خانواده و زن و مرد در بافت خانواده، کدهای مشترک در قالب کدبندی‌های سازمان‌دهنده دسته‌بندی شدند و در نهایت کدبندی‌های سازمان‌دهنده با وجوه مشترک و ارتباطات معنایی مشترک در قالب مضامین فراگیر دسته‌بندی شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد که الگوی پایداری خانواده در اندیشه رهبری شامل ۹ مضمون سازمان‌دهنده و ۳۵ مضمون پایه است که نمودار شبکه مضامین آن ترسیم شده است.





نمودار ۱. شبکه مضامین پایداری خانواده براساس تحلیل بیانات مقام معظم رهبری

### مضمون ۱: شناخت اهمیت خانواده در اسلام

شناخت اهمیت و کارکرد خانواده در اسلام، یکی از مضامین اصلی در شناسایی عوامل پایداری خانواده در اندیشه رهبری است. از منظر ایشان، خانواده به دلایل مختلف از اهمیت شایان توجهی در اسلام برخوردار است که شناخت ابعاد گوناگون این اهمیت نخستین گام لازم در ارتقای پایداری خانواده است. هر یک از زن و مرد باید از اهمیت پیمان زناشویی آگاه شوند تا بدین وسیله، هر چیزی که آن را سست می‌کند، ممنوع شمارند و برای حفظ و پایداری آن تلاش

کنند. علی‌رغم کارکردهای مختلفی که برای ازدواج بر شمرده شده است، مهم‌ترین فایده و هدف ازدواج، تشکیل خانواده است (۷۶/۲/۱۰) و دیگر کارکردهای ازدواج مانند ارضای جنسی و یا فرزندآوری در درجه دوم اهمیت است و یا ضامن و پشتوانه پایداری خانواده قرار داده شده است (۸۰/۱۲/۹).

براساس آموزه‌های قرآنی، ازدواج یک نعمت بزرگ الهی است که با تلاش برای پایداری آن باید شکر این نعمت الهی را به‌جای آورد و پیوند ازدواج را محکم نگه داشت و اجازه نداد "عوارض، دلخوری‌ها، ایرادگیری‌های بیخود، بگومگوهای زائد و خرج تراشی‌های مضر، این پیوند و این کانون خانواده را متزلزل کند" (۸۲/۳/۱۹). از نظر اسلام، ازدواج یک ارزش است (۷۲/۱۰/۶) و تشکیل خانواده یک فریضه محسوب می‌شود. ازدواج عملی است که مرد و زن باید آن را به‌عنوان یک وظیفه الهی انجام دهند و اگرچه شرعاً در زمره واجبات ذکر نشده است، اما به‌قدری تحریض و ترغیب شده است که نشان از اصرار خدای متعال بر این امر دارد (۷۷/۱۲/۱۱). ازدواج علاوه بر یک تقاضای طبیعی، یک سنت دینی و اسلامی (۷۹/۴/۲۹) و امری مقدس است. چنانچه در ادیان مختلف، مراسم ازدواج یک مراسم مذهبی است که در مکان‌های مقدس و توسط رجل دینی انجام می‌شود (۹۰/۱۰/۱۴). هر خانواده به‌مثابه یکی از سلول‌های پیکره و بدنه اجتماع است که سلامت آن به سلامت جامعه می‌انجامد (۸۱/۳/۸). یکی از مهم‌ترین اهداف تشکیل خانواده در اسلام رسیدن به آرامش است.

آیت‌الله خامنه‌ای، آرامش را مهم‌ترین چیزی می‌داند که بشر به آن نیازمند است و یافتن این آرامش جز در سایه تشکیل خانواده‌ای خوب میسر نمی‌شود و تنها در این صورت است که انسان مزه زندگی و طعم واقعی حیات انسانی را می‌چشد. این آرامش، سکونت و نجات از تلاطم‌های روحی و اضطراب‌های زندگی است (۷۶/۴/۳۱)؛ چنانچه خداوند در سوره روم می‌فرماید: "از جمله نشانه‌های قدرت الهی، یکی این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داده است تا در کنار او آرامش یابید و میان شما دوستی و مهربانی قرار داد (روم/۲۱)". ایشان در بیان معنا و مفهوم آرامش می‌فرمایند: "ما در زندگی تلاطم‌ها و اضطراب‌هایی داریم که گاهی انسان را از جا می‌کند. وقتی که زن احساس می‌کند که شوهرش همراهش است و به او تکیه دارد و وقتی شوهر احساس می‌کند که زنش همراهش است و در هاله محبت او قرار گرفته، این تلاطم‌ها تبدیل به آرامش می‌شود. این همان سکن است" (۸۱/۷/۱۱). البته باید توجه داشت که بد اخلاقی و

بهبانگی مردان و کج خلقی و پرتوقعی زنان، محیط خانه را متشنج کرده و این آرامش را از بین می‌برد (۸۱/۱۰/۲۴).

خانواده کلمه طیبه (نهاد پاک) است. بدین معنا که پیوسته از خود برکت و نیکی می‌تراود و به پیرامونش می‌پراکند (۷۹/۱۲/۱۵). ازدواج دروازه تشکیل خانواده است و تشکیل خانواده اساس همه تربیت‌های اجتماعی و انسانی است (۷۴/۵/۱۸). تربیتی که تنها در محیطی امن و با دو معلم مهربان، امکان‌پذیر است. خانواده کانون رشد و بالندگی عواطف است (۶۷/۹/۱۳). از آنجاکه بی‌توجهی به خانواده گام نخست فروپاشی خانواده است، بقای خانواده در گرو احترام به قرارداد زناشویی است: "خانواده یک قرارداد است، یک امر طبیعی نیست که دو چیز را به هم وصل کرده باشند؛ یک امر اعتباری است و ماندن آن بسته به این است که طرفین قضیه و جامعه و قانون، آن را محترم شمارند. اگر به آن بی‌احترامی کردند، باقی نمی‌ماند" (۷۷/۱/۱۹). برای خانه و خانواده باید شأن قائل شد. یکی از گناهان کبیره تمدن غرب نسبت به بشریت، تحقیر و سبک‌شمردن خانواده است (۷۸/۱/۲۴). "امروز، ببینید که در امریکا و انگلیس، همجنس‌بازی، رسمی و قانونی شده است... آیا وقتی در کشوری ازدواج دو همجنس با هم قانونی می‌شود، بنیان خانواده در این جامعه باقی خواهد ماند" (۶۸/۹/۱۵).

با از بین رفتن بنیان خانواده، هویت فرهنگی افراد جامعه نیز از بین می‌رود، زیرا که انتقال فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و حفظ اصول یک تمدن و فرهنگ و انتقالش به نسل‌های بعدی به برکت خانواده انجام می‌شود (۷۷/۱/۲۶). "در محیط خانواده است که اول بار همه هویت و شخصیت یک انسان، براساس فرهنگ آن جامعه شکل می‌گیرد و این پدر و مادرند که به‌طور غیرمستقیم و غیرتصنعی و به شکلی طبیعی، محتوای ذهن و فکر و عمل و معلومات و اعتقادات و مقدسات را به نسل بعدی منتقل می‌کنند (۷۹/۱۰/۱۵). اگر خانواده‌ای در جامعه نباشد، همه تربیت‌های بشری و همه نیازهای روحی انسان‌ها ناکام خواهد ماند، زیرا آفرینش انسان به گونه‌ای است که جز در آغوش خانواده، تربیتی سالم، کامل، بی‌عیب و بی‌عقده، میسر نخواهد شد و به بالندگی روحی لازم نخواهد رسید (۷۴/۵/۱۱). جامعه اسلامی بدون بهره‌مندی از نهاد خانواده سالم، سرزنده و بانشاط، امکان پیشرفت ندارد (۹۰/۱۰/۱۴).

## مضمون ۲. خدامحوری در خانواده

خدامحوری در خانواده، یکی دیگر از مضامین اصلی در شناسایی عوامل پایداری خانواده در اندیشه رهبری است. از نظر ایشان در بنا و تشکیل خانواده و در حفظ خانواده باید احکام اسلامی را رعایت کرد تا خانواده باقی بماند. لذا شما در خانواده‌های متدین که زن و شوهر به این حدود اهمیت می‌دهند، می‌بینید که سال‌های متمادی با هم زندگی می‌کنند، محبت زن و شوهر به یکدیگر باقی می‌ماند و جدایی‌شان از هم، سخت است. خانواده‌هایی که جهات اسلامی را رعایت می‌کنند، اینها خانواده‌هایی محکم‌تر، بهتر، قوی‌تر و محیط امن‌تری برای فرزندان و کودکان خواهند بود (۷۸/۱/۱۵) و رعایت موازین اسلامی و اخلاقی از طلاق جلوگیری می‌نماید (۷۳/۹/۲). از منظر مقام معظم رهبری، تشکیل خانواده دارای یک هدف غایی است و آن تعالی زوجین و رسیدن آنها به کمال حقیقی است که همان نزدیکی به خدا، تهذیب نفس و کسب فضایل اخلاقی است و زوجین باید همدیگر را در این راه یاری نمایند. یکدیگر را به تقوا، به عبادت، به اخلاص، به امانت، به پاکیزگی و پاکدامنی و انجام کارهای خوب توصیه کنند (۷۷/۱۲/۲۳).

## مضمون ۳. بنای رابطه بر محبت و رفاقت

بنای رابطه زناشویی بر محبت و رفاقت، یکی دیگر از مضامین اصلی در شناسایی عوامل پایداری خانواده در اندیشه رهبری است. محبت، مهم‌ترین عامل پایداری و گرمی خانواده است و از آن به عنوان ملاط خانواده یاد می‌کنند (۷۶/۹/۲۴). ایشان علقه به وجود آمده بین همسران را یک علقه اعتباری می‌دانند که همسران باید در حفظ و تقویت آن کوشا باشند و آن را چونان گلی می‌دانند که برای بقا نیازمند آبیاری و مراقبت است: "محبت کوه نیست که بماند؛ محبت را باید نگه داشت؛ مثل یک گل است، باید آبیاری و مواظبت کرد. اینکه مرد تا آخر شب خانه نیاید، حالا به هر دلیلی و یا زن بیرون و مهمانی باشد و شوهر که می‌آید نه غذا پخته، نه لباس‌ها را تمیز کرده و نه اتو کرده، اینها محبت را از بین می‌برد. ببینید همسر شما روی چه چیزهایی حساس است، حتماً آن را رعایت کنید. هیچ همسر بی‌عیبی وجود ندارد و اگر محبت باشد این محبت، روی همه عیب‌ها را می‌پوشاند. زن به مرد تحمیل نکند و زور نگوید و مرد هم به زن زور نگوید و افزون‌طلبی نکند و با هم رفیق باشند". بقای محبت، نیازمند تلاش و ابتکار دوجانبه است (۷۷/۱/۱۹) زیرا، محبت امری دستوری و فرمایشی نیست، بلکه اخلاق خوب، رفتار مناسب، محبت‌ورزیدن، وفاداری (۷۶/۷/۳۰)، رعایت حقوق متقابل و عدم تخطی و تجاوز به آن و جلب

اعتماد همسر، مهم‌ترین راهکارهای حفظ و تداوم محبت بین همسران است (۷۷/۱۲/۱۱). زوجین نباید از طرف مقابل توقع محبت داشته باشند، بلکه باید خودشان در ابراز محبت پیشقدم شوند؛ چراکه محبت به‌طور طبیعی محبت می‌آفریند و بی‌محبتی همچون مرضی مسری است که حتماً به طرف دیگر هم سرایت می‌کند (۷۹/۷/۱۹).

#### مضمون ۴. پایبندی به اخلاق اسلامی در خانواده

پایبندی زوجین به آموزه‌های اخلاق اسلامی یکی دیگر از مضامین اصلی در شناسایی عوامل پایداری خانواده در اندیشه رهبری است. بنابر نظر ایشان، اخلاق اسلامی در روابط زن و مرد، به‌خصوص در داخل خانواده باید مورد توجه قرار گیرد. "بعضی متدینند، ولی چون با اخلاقیات مرتبط با روابط زن و مرد در اسلام آشنا نیستند، تحکم و زورگویی دارند" (۸۶/۴/۱۳).

گذشت و اغماض، سختگیری نکردن همسران به یکدیگر و پرهیز از کمال‌گرایی از مهم‌ترین توصیه‌های اخلاقی رهبری به همسران است. "وظیفه این است که در مقابل یکدیگر، یک مقدار گذشت و اغماض داشته باشید. سختگیری نکنید به شوهرتان، سختگیری نکنید به زن‌تان، خیال نکنید که این همسر شما یک فرشته کاملی باید باشد که هیچ نقصی نداشته باشد؛ مگر می‌شود...؟ تحمل کنید، نقایص همسران را، با هم بسازید" (۶۴/۷/۲). دوری از خودبرتربینی و عدم افتخار به ملاک‌های دیگری جز تقوا (۷۸/۱۲/۲۲)، احترام متقابل و پرهیز از اهانت، تحقیر و تذلیل (۷۱/۹/۱۹)، قدردانی (۸۰/۷/۲۷)، رازداری و قناعت از دیگر توصیه‌ها به زوجین در آستانه ازدواج است. منظور از قناعت، زندگی ساده و به‌دور از اشرافی‌گری و منطبق بر زندگی متوسط مردم است (۷۵/۶/۳). پرهیز از پرخاش‌گری و عصبانیت نیز یکی دیگر از توصیه‌های اخلاقی ایشان است. "مبادا از مرد مؤمن و انقلابی، رفتار و اخلاقی سر بزند که برخلاف توصیه اسلام نسبت به رفتار مرد با همسرش باشد. شما باید مظهر اخلاق باشید. ممکن است شما در بیرون از خانه عصبانی شوید، ولی این عصبانیت نباید در داخل خانه خود را نشان دهد. با همسران مهربان باشید" (۸۰/۷/۲۷). خداوند متعال در قرآن از زن و شوهر تعبیر به لباس، کرده است (بقره/۱۸۷) و چنانچه لباس مایه زینت انسان و ستر عیوب انسان است، عیب‌پوشی نیز از دیگر توصیه‌های اخلاقی رهبری به زوجین است. "بعضی‌ها تا جایی می‌نشینند، بنا می‌کنند از همسرشان گله‌کردن، این کار را کرد، این‌طور گفت و غیره. اگر همسر عیبی هم دارد، نباید این عیب را اینجا و آنجا فاش کرد و به این و آن گفت" (۸۱/۱۰/۲۴).

### مضمون ۵. سازگاری

سازگاری، یکی دیگر از مضامین اصلی در شناسایی عوامل پایداری خانواده در اندیشه رهبری است. سازگاری به معنای پذیرش عیب‌ها، نقص‌ها و کاستی‌های طرف مقابل در زندگی مشترک است به طوری که در راستای حفظ و نگهداری کانون خانواده، از امیال و خواسته‌های حتی به حق خود چشم‌پوشی کنند و به جای مردسالاری و یا زن‌سالاری، خانواده‌سالاری را مبنای روابط خود قرار دهند و بر همین مبنا هر چیزی که به سستی ارکان خانواده بینجامد، به شدت نهی می‌شود و سازشکاری و کوتاه آمدن از مواضع در محیط خانواده، واجب تلقی می‌شود (۷۸/۱/۲۴).

معنای سازگاری چیست؟ " یعنی چیزهایی در زندگی پیش می‌آید؛ خب دو نفرند با هم تا حالا آشنایی نداشتند، زندگی نکردند، ممکن است فرهنگشان دو تا باشد. ممکن است عاداتشان دو تا باشد. آیا باید اینجا از هم سرد شوند و بگویند: این مرد یا این زن دیگر به درد من نمی‌خورد؟! نه! شما باید خودتان را با این مسئله تطبیق دهید. اگر چنانچه قابل اصلاح است، اصلاحش کنید و اگر دیدید نه، کاری‌اش نمی‌شود کرد، خب با او بسازید " (۷۶/۹/۶).

ایشان در تفسیر حدیث جهاد المرأة حسن التبعل که از پیامبر گرامی اسلام در زمینه اهمیت سازگاری زنان در خانواده نقل شده است، منظور از حسن تبعل که به معنای خوب شوهرداری است و جهاد زنان نامیده شده را حفظ گرمی، صمیمیت و آرامش خانواده با وجود سختی‌ها و مشکلات می‌دانند (۹۰/۱۰/۱۴). نکته قابل توجه در این زمینه، تأکید بر سازگاری دوطرفه و متقابل زوجین است، نه اینکه فقط زنان به سازگاری توصیه شوند (۷۴/۵/۱۱). ایشان، زوجین را به تفاهم و درک متقابل توصیه کرده و آن را موجب افزایش محبت دانسته (۷۱/۶/۳۱) و در همین راستا مردان را از بی‌توجهی به عواطف و احساسات زنان شدیداً منع می‌کنند (۸۱/۱۲/۷).

استفاده هوشمندانه زنان از ویژگی‌های ذاتی خود را نیز می‌توان یکی از پایه‌های مضمون سازگاری دانست. از این منظر، زنان دارای ویژگی‌هایی فطری و خدادادی و ظرافت‌هایی (ظرافت در فکر، اندیشه، تدبیر و دستگاه تصمیم‌گیری هستند)، که به نفوذ هرچه بیشتر آنها بر مردان می‌انجامد و در پایداری خانواده نقش بسزایی دارد و یکی از زیبایی‌های طبیعی زنان و از اسرار آفرینش شمرده می‌شود (۹۲/۲/۲۱) که "البته با زرنگی به خرج دادن و رندی کردن و تحکم و زورگویی نمی‌توان به آن رسید؛ بلکه با ملایمت، استقبال خوب، خوش‌رویی و یک مقدار تحمل کردن ممکن است" (۷۲/۳/۱۹). از جمله توصیه‌های دیگر ایشان در همین راستا، لزوم

آموختن روش‌های صحیح برخورد با همسر و فرزندان به زنان است. "زنانی هستند که خیلی هم خوبند؛ دارای حلم و صبر و گذشت و اخلاق خوبند؛ اما روش‌های برخورد با همسر یا با فرزندان را درست نمی‌دانند. این روش‌ها علمی است؛ چیزهایی است که با تجربه بشری روزبه‌روز پیشرفت کرده و به مراحل خوبی رسیده است. کسانی هستند که تجربه‌های خوبی دارند؛ باید روش‌هایی پیدا کنید که افرادی که می‌توانند، خانم‌ها را به این مسائل راهنمایی کنند" (۷۰/۱۰/۴).

#### مضمون ۶. پابندی به حقوق و وظایف در خانواده

پابندی به حقوق و وظایف در خانواده، یکی دیگر از مضامین اصلی در شناسایی عوامل پایداری خانواده در اندیشه رهبری است. زن و مرد دارای وظایف و مسئولیت‌های مشترک و نیز اختصاصی هستند که به شدت عادلانه و متوازن تنظیم شده است، باید به دقت شناخته شود و تبلیغ گردد. باید به وظایف زنان و مردان باهم اشاره شود؛ نه اینکه سنگینی کفه ترازو همیشه به سمت زنان باشد و به مردان، حقوقشان و به زنان، وظایفشان گفته شود (۷۵/۵/۹). چنانچه خداوند فرموده است: "و مانند همان وظایفی که برعهده زنان است، به‌طور شایسته، به نفع آنان برعهده مردان است" (بقره/۲۲۸).

بنابر آیه ۳۴ سوره نساء و آیه ۲۳۳ سوره بقره، وظیفه مدیریت و سرپرستی خانواده و تأمین مخارج اقتصادی همسر و فرزندان، وظیفه اختصاصی مرد در خانواده است. وظایف ویژه زنان در خانواده نیز شامل پذیرش ریاست مرد در خانواده، پاکدامنی و وفاداری نسبت به شوهر، حفظ اموال شوهر و کسب اجازه برای خروج از خانه می‌باشد. ایشان این اجازه را یکی از رموز قوانین اسلامی و موجب پایداری خانواده می‌دانند (۶۳/۱/۲۴). در آیه ۳۴ سوره نساء مردان به‌عنوان سرپرست زنان معرفی شده‌اند. البته از منظر مقام معظم رهبری این بدان معنا نیست که "زن بایستی در همه امور تابع شوهر باشد. نه! یا مثل برخی از این اروپان‌دیده‌های بدتر از اروپا و مقلد اروپا، بگوییم که زن بایستی همه کاره باشد و مرد باید تابع باشد. نه این هم غلط است. بالاخره دو تا شریک و دو تار فیق هستید. یک‌جا مرد کوتاه بیاید، یک‌جا زن کوتاه بیاید. یکی اینجا از سلیقه و خواست خود بگذرد، دیگری در جای دیگر، تا بتوانید با یکدیگر زندگی کنید" (۷۷/۱/۱۹). بعضی از مردان خیال می‌کنند که زن وظیفه دارد همه کارهای مربوط به آنها را انجام دهد. البته در محیط خانواده، زن و مردی که به هم علاقه دارند، با کمال میل و شوق، کارها و خدمات یکدیگر

را انجام می‌دهند؛ اما انجام‌دادن از روی میل، غیر از این است که کسی احساس کند، یا این‌طور عمل کند که گویا وظیفه زن است که باید مثل یک مستخدم، خدمت مرد را به آن شکل انجام دهد. چنین چیزی در اسلام وجود ندارد (۶۵/۷/۱۹). وظایف و مسئولیت‌های مشترک همسران از دیدگاه اسلام نیز، شامل برآوردن نیاز جنسی همسر و رفتار شایسته با همسر یا همان «معاشرت به معروف» می‌باشد (سالاری‌فر، ۱۳۸۵).

در اندیشه رهبری، اداره خانواده بین زن و مرد مشترک است و با توجه به اهمیتی که اسلام برای خانواده قائل است، اصلی‌ترین وظیفه مشترک یک زن و مرد مسلمان، ساختن خانواده است (۶۳/۱۲/۱۳) که اگرچه زن و مرد، نقش‌های متفاوتی در خانواده دارند اما باید مثل دو رفیق، دو شریک، دو همسنگر و دو همکار باشند (۷۱/۱۰/۱۷). زن، رکن اساسی خانواده است و تربیت فرزندان و هدایت و تقویت روحی شوهر را برعهده دارد (۷۵/۱۲/۲۰). نقش زن، به‌عنوان عضوی از خانواده، از همه نقش‌هایی که زن می‌تواند ایفا کند مهم‌تر است و مسئولیت گرمابخشی به کانون خانواده و استحکام آن را برعهده دارد (۶۰/۱۲/۴).

مقام معظم رهبری جابه‌جایی نقش‌ها را در خانواده که برخاسته از دیدگاه‌های فمینیستی است، به‌شدت منع و آن را از عوامل فروپاشی خانواده قلمداد می‌کنند. "این فمینیست‌های امروز دنیا که همه جور مرد و زن در آنها هست و با ادعای دفاع از حقوق زن وارد می‌شوند، اصلاً به‌نظر من حقوق زن را نمی‌شناسند. چون حق، یک امر انتزاعی نیست، حق یک منشأ طبیعی دارد. آن حقوقی که برای زن و مرد وجود دارد، باید متکی باشد به طبیعت زن و مرد، به قواره و ساخت زن و مرد" (۷۸/۱۲/۲۲). مرد در چشم زن مظهر اعتماد، نقطه اتکا و اعتماد است و زن در چشم مرد مظهر زیبایی، لطافت، انس و آرامش است. "هر دو نقش، لازم است و مخلوط کردن این دو نقش کاری برخلاف طبیعت و ضایع کردن یک زمینه خوب است، مثل این است که دست ماهری یک گلستانی بوستانی اینجا درست کند و ما به سلیقه خودمان لگد کنیم، قاطی کنیم، مخلوط کنیم و به هم بزنیم" (۷۸/۱۲/۲۲).

ایشان کمک و همکاری زوجین به یکدیگر و گذران وقت با یکدیگر را در پایداری زناشویی بسیار بااهمیت می‌دانند که به‌نظر می‌رسد بتوان آن را زیرمجموعه پایبندی به حقوق و تکالیف در خانواده قرار داد. اگرچه زن و شوهر باید در محیط خانواده همکاری کنند، ولی منظور از کمک، بیشتر کمک روحی است. "بهترینش آن است که در راه تحصیل، تبلیغ، فهم دین، خدمات



اجتماعی، فعالیت‌های مفید سیاسی و ... کمک کنید" (۸۱/۶/۲۸). در زمینه گذران وقت با یکدیگر نیز به‌خصوص به مردان سفارش ویژه می‌کنند "... کار عادی و معمولی و روزانه را طوری تنظیم کنید که اول شب بتوانید بروید منزلتان،...، البته اگر می‌شود، جوری تنظیم کنید که بیشتر اوقات با هم باشید" (۶۴/۷/۲).

#### مضمون ۷. ارضای متقابل غریزه جنسی

ارضای متقابل غریزه جنسی، یکی دیگر از مضامین اصلی در شناسایی عوامل پایداری خانواده در اندیشه رهبری است. نیاز جنسی یکی از نیازهای انسان است که در دیدگاه اسلامی نه سرکوب شده و نه بی‌قید و رها می‌شود، بلکه به‌واسطه ازدواج، از راهی سالم، تأمین می‌شود و حد و مرز می‌یابد (۶۲/۱۲/۱۹). اسلام غریزه جنسی را پشتوانه بنای خانواده و وسیله استحکام آن قرار داده است. هنر ادیان و بیشتر از همه اسلام، آن است که غریزه جنسی و غریزه زوج‌طلبی انسان را در خدمت تشکیل خانواده قرار داده است (۷۰/۴/۲۰). به عبارتی "وقتی زن و مرد عقیقت و متدین و خداترسند و طبق دستور اسلام از گناه دریاب غریزه جنسی اجتناب می‌کنند، طبعاً نیاز زن و مرد به یکدیگر در این مورد بیشتر خواهد شد. وقتی به هم زیاده‌تر احتیاج داشتند، این بنای خانواده مستحکم‌تر خواهد شد" (۸۰/۱۲/۹) و شاید در این راستا است که زن و مرد را به آراستگی و آرایش در برابر یکدیگر توصیه می‌کنند (۶۴/۷/۲).

مقابله با آزادی‌های جنسی و رعایت حدود و مرزها، از جمله عوامل پایداری خانواده در اندیشه رهبری است. چنانچه گفته شد از نظر ایشان، ارضای غریزه جنسی از اهداف ثانویه ازدواج و پشتوانه هدف اول یعنی تشکیل خانواده است و لذا هر جا که آزادی جنسی حاکم باشد، یا خانواده تشکیل نمی‌شود و یا خانواده پوچ و تهدیدپذیر است و گسیختگی خانوادگی را به دنبال دارد. حفظ حریم‌های زن و مرد، لازمه حفظ بنیان خانواده و اعتماد متقابل در خانواده است (۸۱/۳/۲۹). "زن و مرد باید احساس کنند، آن رابطه عاطفی و غریزی و کششی که بینشان وجود دارد، فقط وقف بین این دو تاست، یعنی بین هیچ کدام با یک نفر سوم نیست" (۸۱/۳/۲۹). در همین راستا عدم جلوه‌گری و جلوگیری از اختلاط ناسالم زن و مرد و حفظ نگاه را نه تنها تحجر تلقی نمی‌کنند، بلکه عامل پایداری و بقای خانواده می‌دانند. "اسلام می‌خواهد این پشتوانه (غریزه جنسی) را از خانواده بگیرد. اسلام می‌خواهد این انسان‌ها بیرون از محیط خانواده این غریزه را اشباع نکنند، تا نسبت به خانواده بی‌قید و بی‌اعتنا و لابلایی بشوند، لذا است که جلوی راه را سد می‌کند"

(۷۶/۱۲/۱۸). در این زمینه هشدار جالب توجه رهبری به مردان و زنان، پرهیز آنان از تحریک حس حسادت طرف مقابل با "گرم گرفتن‌ها، حرف زدن‌ها، شوخی و خنده‌ها" می‌باشد؛ چراکه کارهایی که در اسلام ممنوع شده، اثرش در خانواده ظاهر می‌شود (۸۱/۶/۲۸) و اگر سوءظنی ایجاد شود، چه مستند و چه ناشی از وسواس یا توهمات و تصورات، اثر سوء خودش را به‌جا می‌گذارد، مانند گلوله‌ای که سهواً یا عمداً از لوله تفنگ بیرون می‌آید (۹۰/۱۰/۱۴).

#### مضمون ۸. احیای کرامت زنان

احیای کرامت زنان و مقابله با تفکرات فمینیستی و متحجرانه یکی دیگر از مضامین اصلی در شناسایی عوامل پایداری خانواده، در اندیشه رهبری است. نفهمیدن مفهوم تکریم زن در اسلام و ترکیب آن با بدآموزی‌های القاشده به‌عنوان تکریم زن در تمدن غربی به ایجاد یک جریان غلط فکری و ذهنی انجامیده است و باید در زمینه ارزش و کرامت زن در نظر اسلام بازنویسی، بازبینی و بازگویی شود (۸۴/۵/۵). نگاه اسلام به جنسیت یک نگاه درجه دو است. نگاه اول و درجه یک، حیث انسانیت است که جنسیت اصلاً نقشی در آن ندارد (۹۰/۱۰/۱۴). در دیدگاه اسلامی، همه مقامات معنوی و درجات انسانی، بین زن و مرد به‌طور مساوی تقسیم شده است و زن و مرد هیچ تفاوتی ندارند (احزاب/ ۳۵ و آل عمران/ ۱۹۵). در زندگی نیز، زوجین مکمل یکدیگرند و هر دو به یکدیگر احتیاج دارند. زن مایه آرامش مرد و مرد مایه آسایش زن است. هیچ کدام بر سر دیگری منتی ندارد و مانند دو لنگه درند که بدون دیگری ناقصند. چنانچه خداوند می‌فرماید: "از جمله نشانه‌های قدرت الهی، آن است که برای شما از نوع خودتان و از جنس خودتان، همسرانی قرار داد" (روم/ ۲۱). از خودتان هستند، جنس جداگانه‌ای نیستند، در دو مرتبه جداگانه نیستند، یک جوهر و یک ذات هستند. البته در بعضی از خصوصیات با هم تفاوت‌هایی دارند، چون هر کدام، وظیفه ویژه‌ای دارند که آن دیگری نمی‌تواند انجام دهد. اسلام مرد را قوام و زن را ریحان می‌داند. این دیدگاه نه جسارت به مرد و نه به زن است، نه نادیده‌انگاشتن حق زن و نه نادیده‌انگاشتن حق مرد است، بلکه درست‌دیدن تفاوت آنهاست (۷۸/۱۲/۲۲).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، یکی از مسائلی که به شکلی جدی مورد بحث و توجه افکار عمومی ایران و جهان قرار گرفت موضوع زن بود. انقلاب اسلامی در فضایی به پیروزی رسید که مکاتب گوناگون و ایدئولوژی‌های سکولار مدرن هریک به فراخور مبانی و جهت‌گیری‌های خود نگاهی خاص به مقوله زن را ترویج می‌کردند و فرهنگ عمومی جوامع

مختلف تحت تأثیر این نگاه‌ها ساخته می‌شد. اما انقلاب اسلامی حرف و نگاهی نو و تحول‌آفرین را در این موضوع پیش روی بشریت گذاشت. این نگاه جدید در قالب کُنشگری و فعالیت زن مسلمان ایرانی عینیت یافت و به تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای "الگوی سوم زن" را تحقق بخشید؛ الگویی که "نه شرقی است و نه غربی". زن، در تعریف غالباً شرقی، همچون عنصری در حاشیه و بی‌نقش در تاریخ‌سازی؛ و در تعریف غالباً غربی، به‌مثابه موجودی معرفی می‌شد که جنسیت او بر انسانیتش می‌چربد و ابزاری جنسی برای مردان و در خدمت سرمایه‌داری جدید است. شیرزنان انقلاب و دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوم، "زن نه شرقی، نه غربی" است. زن مسلمان ایرانی، تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان، گشود و ثابت کرد که می‌توان زن بود، عفیف بود، محجبه و شریف بود، و درعین حال، در متن و مرکز بود. می‌توان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه داشت و در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز، سنگر‌سازی‌های جدید کرد و فتوحات بزرگ به‌ارمغان آورد (۹۱/۱۲/۱۶).

زن مسلمان "مثل کوه استواری از ایمان، درعین حال، مثل چشمه جوشانی از عاطفه و محبت و احساسات زنانه، تشنگان و محتاجان نوازش را از چشمه صبر و حوصله و عاطفه خود سیراب می‌کند. انسان‌ها در چنین آغوش پُربرکتی می‌توانند تربیت شوند. اگر زن با این خصوصیات در عالم وجود نبود، انسانیت معنا پیدا نمی‌کرد. این، معنای ارزش زن و تشخیص زن است؛ چیزی که مغز متحجر مادی غربی‌ها نمی‌تواند آن را بفهمد" (۸۴/۳/۵). در اندیشه رهبری، عظمت زن آن نیست که بتواند چشم مردان و هوس‌راناان را به خودش جلب کند که این تحقیر زن است (۸۹/۲/۱). عظمت زن آن است که بتواند حجب و حیا و عفاف زنانه را که خداوند در فطرت او قرار داده است با عزت مؤمنانه و احساس تکلیف و وظیفه به هم بیامیزد. زن باید هم همسر و مادر خوبی باشد و هم در فعالیت‌های اجتماعی شرکت کند. البته در زمینه نقش اجتماعی زنان باید از افراط و تفریط‌ها برحذر بود. ایشان با اشتغال بانوان موافقند به شرطی که زنان به اهمیت نقش بی‌بدیل همسری و مادری خود و اولویت آن بر سایر نقش‌ها و فعالیت‌های خود آگاه باشند؛ چراکه غیر از زن، کس دیگری نمی‌تواند آن را انجام دهد و جایگزین ندارد (۹۰/۱۰/۱۴). ایشان خانه‌دار بودن زنان را نه تنها تحقیر زن نمی‌دانند، بلکه آن را احترام به زن می‌دانند و تربیت فرزند را کاری سخت و هنری بزرگ تلقی می‌کنند (۷۴/۸/۲۲) و از زنان می‌خواهند تا از خانه جدا نشوند، به خانه برسند ولی در خانه نیز غرق نشوند (۶۱/۱۱/۱۴).

زن در همه جوامع، از جمله در جامعه ما، دچار ستم و دچار کمبودهایی است که بر او تحمیل می‌شود، اما این کمبود، کمبود آزادی به معنای بی‌بندوباری نیست. این کمبود، کمبود میدان‌ها و فرصت‌ها برای علم و معرفت و تربیت و اخلاق و پیشرفت و شکوفایی استعدادهاست. این را باید تأمین و جستجو کرد. برخوردی که در تاریخ با زنان می‌بینیم واقعا گریه‌آور است و این در اثر فقدان خرد و قانون بوده است (۷۴/۸/۲۲).

مقام معظم رهبری در نقد تفکرات فمینیستی، آرایش و خودآرایی زنان در انظار را نه تنها آزادی زنان ندانسته، بلکه عامل تحقیر آنان، نشانه مردسالاری و آزادی مردان می‌داند؛ چراکه زمینه تمتع جنسی بیشتری را برای آنها فراهم می‌کند (۷۱/۹/۲۵) و یکی از ارمغان‌های حجاب را حفظ بنیان خانواده و جلوگیری از سوءاستفاده از زنان می‌داند. ایشان بزرگترین خطای تفکر غربی در مورد مسئله زن را، مسئله «برابری جنسی» می‌داند. "زیرا عدالت یک حق است ولی برابری گاهی حق است و گاهی باطل است؛ چراکه زن و مرد از لحاظ ساخت طبیعی، چه از لحاظ جسمی و چه از لحاظ عاطفی، با یکدیگر متفاوت خلق شده‌اند؛ چراکه نقش‌ها و وظایف هر کدام متفاوت است؛ چرا باید کاری که مردانه است به زن داده بشود؟" (۹۳/۱/۳۰). آن کسانی که وانمود می‌کنند عدالت جنسیتی به این است که در همه میدان‌هایی که مردها وارد می‌شوند، زن‌ها هم باید وارد بشوند، اینها خیانت می‌کنند به حرمت و شخصیت و هویت زن (۹۶/۱۲/۱۷).

در اندیشه رهبری، احترام و اکرام زن در محیط خانواده، تنها راهکار حقیقی رفع مظلومیت از زنان است (۹۲/۲/۲۱). اسلام زن را به گلی تشبیه می‌کند که نباید با آن با خشونت، بی‌اعتنایی، تحمیل کردن، زیاده‌خواهی و توقعات بیجا و بیش‌ازحد رفتار کرد. "چنانچه در روایت آمده است: «انما المرات ریحانه و لیست بقهرمانه»؛ مباشر امور و کارپرداز شما نیست که همه امور را به دوش او بیندازید و بعد هم او را مؤاخذه نمایید" (۷۹/۶/۳۰). "گاهی مردها با بداخلاقی، با تحمیل کارهای سخت بر زن، با توقعات زیادی و با تحقیر، این منبع انرژی را از دست خودشان خارج می‌کنند" (۷۸/۱۲/۲۲). از نظر ایشان احترام به زن آن است که به او فرصت داده شود تا نیروها و استعدادهای برجسته و عظیمی را که خدای متعال در او به ودیعه نهاده است، شکوفا کند (۸۸/۷/۲۸). حق کرامت الهی زن، بالاترین حقوق زن است که در جهان به اصطلاح مدرن، هرگز شناخته نشده و امروز وقت شناخته شدن آن است (۹۱/۱۲/۱۵). ایشان راهکارهای جلوگیری از تعدی به حقوق زنان را در چهار راهکار خلاصه می‌کنند.

راهکار اول: اهمیت دادن خود بانوان به حرکت به سمت معرفت، علم، مطالعه و آگاهی به جای اهمیت دادن به آرایش، تجمّلات، تَبَرّج و خودنمایی است؛ چراکه همه اینها خود نشانه‌هایی از مردسالاری است. راهکار دوم: تبیین درست حقوق زن و حقوق مرد در اسلام است تا برهمگان روشن شود که علت این تفاوت، بر اثر تفاوت طبیعت و فطرت انسانی زن و مرد و طبق مصالح جامعه است. راهکار سوم: برخورد سخت قانونی و اخلاقی جامعه و پیش‌بینی مجازات‌های سنگین برای کسانی است که تعدی به زنان را حقّ خود می‌دانند (۷۶/۷/۳۰) و راهکار چهارم، بالارفتن سطح فکری کل جامعه است (۷۴/۸/۲۲). البته لازم به ذکر است هر حرکتی که برای دفاع از زنان انجام می‌گیرد، باید رکن اصلی آن رعایت عفاف زن باشد؛ چراکه عفت در زن، وسیله‌ای برای تعالی و تکریم شخصیت اوست (۷۶/۷/۳۰).

#### مضمون ۹. ایفای نقش مناسب والدین زوجین

یکی دیگر از مضامین اصلی در شناسایی عوامل پایداری خانواده در اندیشه مقام معظم رهبری، ایفای نقش مناسب والدین زوجین است. مهم‌ترین نقش والدین، ایجاد محبّت بین زوجین است. "والدین دختر و پسر باید دائماً هم‌مشتان این باشد که این را نسبت به دیگری بامحبت کنند. اگر هم چنانچه یک چیزی دیدند از طرف مقابل که برایشان خوشایند نبود، آن را برای فرزند خودشان ذکر نکنند. بگذارید این دو با یکدیگر روزبه‌روز مأنوس تر و بامحبت تر باشند" (۱۳۷۱/۶/۳۱). پرهیز از دخالت‌های بیجا از دیگر توصیه‌های رهبری به والدین زوجین می‌باشد (۷۵/۲/۱۷). ایشان همچنین در راستای پایداری خانواده به صراحت با ازدواج‌های اجباری که در برخی مناطق کشور به لحاظ فرهنگی اتفاق می‌افتد مخالفت می‌کنند و آن را یک عادت جاهلی می‌دانند که نباید به پای اسلام و احکام نورانی آن گذاشته شود؛ چراکه اسلام چنین اجازه‌ای را به هیچ‌کس نمی‌دهد (۷۵/۱۲/۲۰).

#### بحث و نتیجه‌گیری

سیر صعودی طلاق در ایران، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، معلول عوامل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی است. از نظر جامعه‌شناسان هر کوششی در زمینه تبیین طلاق و ناسازگاری‌های زناشویی مستلزم در نظر گرفتن ماهیت ازدواج و خانواده به‌عنوان یک سازمان در درون زمینه

اجتماعی - فرهنگی است و بررسی تغییرات سازمان‌های اجتماعی ساختاردهنده به تجارب فرد به اندازه پاسخ به چرایی شکست ازدواج و طلاق اهمیت دارد. آنچه در یافته‌های این پژوهش قابل توجه است، در نظر گرفتن هم‌زمان عوامل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی مؤثر در پایداری خانواده است. براساس تحلیل مضمون بیانات مقام معظم رهبری در زمینه عوامل پایداری خانواده، نه مضمون اصلی به دست می‌آید که برخی از آنان در هیچ‌یک از نظریات غربی حوزه زوج و خانواده به چشم نمی‌خورد و این ناشی از کاستی‌های موجود در پیش‌فرض‌ها و مبانی این مکاتب است. مکاتب غربی، در زمینه ریشه‌یابی دلایل فروپاشی نهاد خانواده، عوامل متعددی را برشمرده‌اند و بر مبنای هر یک از آنها، مداخلات و راهکارهای متفاوتی پیشنهاد شده است. ولی با توجه به آمار و شواهد موجود، افزایش نرخ طلاق و فروپاشی خانواده در دهه گذشته، نه تنها در ایران بلکه در سراسر جهان به حدی بوده است که به نظر می‌رسد علل بحران خانواده در عصر امروز بسیار سطحی و ساده‌انگارانه در نظر گرفته شده و از ریشه‌ها و سرچشمه‌های اصلی مشکل، غفلت شده است و روان‌شناسان و مشاوران حوزه زوج و خانواده برای کارآمدی و اثربخشی در این حوزه لازم است از آن آگاه باشند؛ چراکه غفلت از آن ما را به دوری باطل و تلاشی بیهوده می‌کشاند.

اولین مضمون حاصل از تحلیل، شناخت اهمیت خانواده در اسلام است. از منظر مقام معظم رهبری، خانواده به دلایل مختلف از اهمیت شایان توجهی در اسلام برخوردار است که شناخت ابعاد گوناگون آن نخستین گام لازم در ارتقای پایداری خانواده است. وقتی زن و شوهر ازدواج را یک نعمت، یک ارزش، یک فریضه، یک امر مقدس و سستی دینی و اسلامی تلقی کنند و خانواده را سلول اصلی پیکره اجتماع، مایه آرامش، اساس انتقال فرهنگ و تمدن، اساس تربیت اجتماعی و فرهنگی، کانون رشد و بالندگی عواطف، کلمه طیبه، عامل کمال، تعالی و حفظ دینداری بدانند، مسلماً برای حفظ آن از هیچ کوششی فروگذار نخواهند کرد. هر یک از زن و مرد باید از اهمیت پیمان زناشویی آگاه شوند تا بدین وسیله هر چیزی که آن را سست می‌کند، ممنوع شمارند و برای حفظ و پایداری آن تلاش کنند. پژوهش‌های حوزه روان‌شناسی نیز نقش شناخت‌ها را در رفتار و هیجان بسیار پررنگ می‌دانند. سرایی و اوجاقلو (۱۳۹۲) و فلاحی و همکاران (۱۳۹۱)، نیز با پژوهش خود نشان داده‌اند که تغییر ارزش ازدواج و تغییر در نگرش نسبت به ازدواج، از مهم‌ترین عوامل افزایش میزان طلاق در سال‌های اخیر به شمار می‌آید.

دومین مضمون اصلی حاصل از تحلیل، خدامحوری در خانواده است. برخی از مضامین این الگو مانند خدامحوری در خانواده، پابندی زوجین به اخلاق اسلامی، سازگاری، بنای رابطه بر محبت و رفاقت و پابندی به حقوق و تکالیف در تقابل کامل با مؤلفه اصلی فرهنگ غربی و مبنای نظری آن قرار دارد. ریشه فروریختن خانواده در فرهنگ و تمدن غربی در مبنای نظری آن یعنی اومانیسیم یا خودبنیادی بشر و اصالت نفسانیات و خودمحوری به جای خدامحوری نهفته است که نتیجه‌ای جز رشد انانیت‌ها و خودخواهی‌ها نخواهد داشت و با چنین دیدگاهی بقای خانواده و به رسمیت شناختن حقوق و وظایف افراد و مراتب الهی، غیرممکن خواهد بود. در همین راستا، احیای خانواده دینی و توحیدی، برگشت به خدامحوری و روح بندگی، اساسی‌ترین راه نجات خانواده است، زیرا در نگاه دینی خانواده وحدت درعین کثرت و کثرت درعین وحدت است که در آن افراد درعین اینکه خودشان هستند، جنبه‌هایی از خود را با هدف حفظ و بقای هسته توحیدی خانواده از فردیت خارج می‌کنند. دیدگاه اسلامی برخلاف دیدگاه غربی معتقد است که خرد بشری برای رساندن انسان به کمال کافی نیست و خرد بشری آن است که بفهمد دین خدا راه رسیدن به سعادت است و عقل و خرد بشری برای تدبیر در دین است. بنیاد اخلاق در خانواده دینی شکل می‌گیرد و این خانواده است که می‌تواند راه و روش درست زندگی را براساس بینش‌ها و نه عادت‌ها در روح انسان‌ها نهادینه کند. خانواده توحیدی گمشده جهان معاصر است. امروز توجه به هسته توحیدی خانواده و بازگشت به معنای خانواده از منظر دینی آن اهمیت بسیاری دارد (طاهرزاده، ۱۳۸۸).

امروزه فردگرایی افراطی به عنوان تهدیدی جدی برای حیات خانواده در ایران محسوب می‌گردد که می‌تواند موجب تخریب همبستگی خانواده‌ها شود (عنایت و نجفی، ۱۳۹۲). در این روزگار خانواده‌ی مدرن در درون خود با تناقضی آشکار مواجه شده است. ازسویی تشکیل خانواده به عنوان ارزشی جمع‌گرایانه نیازمند پابندی به ارزش‌هایی چون: فداکاری، گذشت، صداقت، مسئولیت‌پذیری و تن‌دادن به برخی محدودیت‌هاست؛ درحالی‌که گسترش ارزش‌های مادی و مدرن در درون خانواده و توسعه فردگرایی، لذت‌طلبی، کامجویی و مصرف‌گرایی، امکان غلبه ارزش‌های جمع‌گرایانه را کاهش می‌دهد. این تناقض می‌تواند به شکل تهدیدی برای بنیان خانواده ظاهر شود (جمشیدی‌ها و صادقی، ۱۳۹۲). پژوهش عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۴)، نیز نشان می‌دهد که بین فردگرایی و ابعاد آن با گرایش به طلاق، رابطه معنی‌دار و مستقیم وجود دارد.

پژوهش‌های مختلفی نیز بر تأثیر این عامل در پایداری خانواده صحنه می‌گذارد که می‌توان به پژوهش حسینی و همکاران (۱۳۹۱)، حاجیان مقدم (۱۳۹۲)، قدسی و همکاران (۱۳۹۰)، دیوید و استافورد (۲۰۱۳)، کاترونا و همکاران (۲۰۱۳)، اسکرام و همکاران (۲۰۱۲)، فینچام و همکاران (۲۰۱۱)، الیسون و همکاران (۲۰۱۰)، براون (۲۰۰۸)، ارتینکال (۲۰۰۶)، دولاهیت و لمبرت (۲۰۰۶)، اشاره کرد.

بنای رابطه زناشویی بر محبت و رفاقت، سومین مضمون اصلی حاصل از تحلیل است. اهمیت و ضرورت بنای رابطه بر محبت، حفظ و بقای محبت نیازمند تلاش و ابتکار و لزوم پیش‌قدم شدن زوجین برای ابراز محبت، پایه‌های این مضمون را تشکیل می‌دهد. محبت، مهم‌ترین عامل پایداری و گرمی خانواده است و از آن به‌عنوان ملاط خانواده یاد می‌شود. از طرف دیگر، وقتی زوجین بدانند که علاقه به‌وجود آمده در پیوند زناشویی یک علاقه اعتباری است، درمی‌یابند که حفظ و تداوم آن، تلاش و ابتکار فراوان می‌طلبد و گرنه به تدریج از میان می‌رود و این حالت بی‌محبتی و سردی به زوج دیگر نیز سرایت می‌کند. توقع محبت داشتن از طرف مقابل به‌جای پیش‌قدم شدن برای ابراز محبت نیز در تعارضات زناشویی بسیار رایج است و اصلاح شناخت زوجین در این زمینه در بهبود ارتباط آنها بسیار مؤثر است. پژوهش‌های حوزه زوج و خانواده نیز از اهمیت این محور حمایت می‌کنند و کمبود صمیمیت را شاخصی از آشفتگی در رابطه، می‌دانند (هالفورد، ۲۰۰۱ ترجمه تبریزی و همکاران، ۱۳۸۴). پژوهش سلیمی و همکاران (۱۳۹۶) و فولادی و شاه‌نعمتی (۱۳۹۲)، نشان می‌دهد که نبود عشق و محبت کافی و عدم ابراز فعالانه محبت و سایر عواطف مثبت با نارضایتی زناشویی و طلاق، در ارتباط است.

سازگاری، چهارمین مضمون حاصل از تحلیل عوامل پایداری زناشویی در اندیشه رهبری است که مؤلفه‌ای شناختی است و در مقابل شناخت‌های منفی و تعصبات ادراکی قرار می‌گیرد. سازگاری در اندیشه ایشان به‌معنای پذیرش عیب‌ها، نقص‌ها و کاستی‌های طرف مقابل در زندگی مشترک است، به‌طوری‌که حتی در راستای حفظ و نگهداری کانون خانواده، از امیال و خواسته‌های حتی به‌حق خود چشم‌پوشی کنند و به‌جای مردسالاری و یا زن‌سالاری، خانواده‌سالاری را مبنای روابط خود قرار دهند و بر همین مبنای هر چیزی که به سستی ارکان خانواده بینجامد، به‌شدت نهي می‌شود و سازشکاری و کوتاه‌آمدن از مواضع در محیط خانواده، واجب تلقی می‌شود.



ضرورت سازگاری و مدارا در خانواده از آن جهت است که هرچه هم زوجین در انتخاب همسر دقت کنند، بی‌تردید همسران دارای تفاوت‌های فردی بسیاری هستند که می‌تواند ناشی از عوامل بسیار زیادی مانند پیشینه خانوادگی، ویژگی‌های شخصیتی، هوش و ارزش‌ها باشد. سازگاری به این معناست که اگر ایراد و اشکالی در هریک از زوجین هست، اگر چنانچه قابل اصلاح است، اصلاحش کنند و در غیر این صورت با آن بسازند. مسلماً داشتن چنین شناختی نسبت به تفاوت‌ها، عیب‌ها، نقص‌ها و کاستی‌های طرف مقابل در زندگی مشترک عامل بسیار مهمی در پایداری خانواده است؛ چراکه تغییر شناخت‌ها نقشی بسیار مهم در تغییر رفتارها و هیجان‌ها ایفا می‌کند. نکته قابل توجه در این زمینه، تأکید بر سازگاری دو طرفه و متقابل زوجین است، نه اینکه فقط زنان به سازگاری توصیه شوند.

بنابر آیه ۱۹ سوره نساء، اگر زن و مردی پس از پیوند ازدواج به عللی زوج خویش را مطابق با معیارهای خویش نیافتند؛ ولی به‌خاطر مصالح خانواده و ارزش‌گذاری به اصول این پیوند، علی‌رغم میل باطنی خویش کراهت و بی‌میلی نسبت به زوج خویش نشان ندادند و در حفظ این بنا و مصالح آن کوشیدند، به‌دلیل توجه و گذشت و ترجیح مصالح خانواده بر خواسته‌های شخصی، خداوند کریم دریچه‌ای از خیرات و برکات را به‌سوی آنان می‌گشاید. حاکمیت این فرهنگ قرآنی در ایجاد همراهی و همدلی زوجین و هموارساختن مسیر زندگی تأثیر مستقیم دارد و آنان را یاری می‌نماید تا در بروز اختلافات و رخدادها عجزولانه تصمیم نگیرند و فرار را بر قرار ترجیح و گسستگی را بر پیوستگی غالب نمایند، بلکه از آن جهت که رضایت حق را در استمرار و استحکام این پیوند می‌بینند، در برقراری صلح و آشتی تلاش نموده و مقاوم و استوار مشکلات را از پیش رو برمی‌دارند و به‌جای جدایی و انحلال و ازهم پاشیدگی به ایجاد تفاهم و همدلی فکر می‌کنند (میرخانی، ۱۳۷۷). پژوهش‌های حوزه روان‌شناسی نیز شناخت‌های منفی و تعصبات ادراکی را یکی از دلایل اصلی بروز مشکلات زناشویی می‌دانند. زوجین آشفته، شناخت‌های خاصی دارند. آنان باورهای غیرواقع‌بینانه‌ای را در مورد روابط و همسرشان در ذهن خود دارند و معتقدند که روابطشان معیارهای رابطه‌ای را که فکر می‌کنند باید باشد، نقض می‌کند (سلیمانیان و ریحانی، ۱۳۹۶، مهین‌ترابی و همکاران، ۱۳۹۰).

از مضامین پایه و بسیار جالب توجه این مضمون که در هیچ‌یک از نظریه‌های دیگر حوزه خانواده به‌چشم نمی‌خورد، استفاده زنان از ویژگی‌های ذاتی خود می‌باشد. از این منظر، زنان دارای

ویژگی‌هایی فطری و خدادادی هستند که به نفوذ هرچه بیشتر آنها بر مردان می‌انجامد و یکی از زیبایی‌های طبیعی زنان و از اسرار آفرینش شمرده می‌شود که باید به‌طور هوشمندانه در راستای پایداری خانواده توسط زنان به کار گرفته شود و بنابر توصیه رهبری لازم است به زنان آموزش داده شود.

پایبندی زوجین به اخلاق اسلامی، پنجمین مضمون اصلی حاصل از تحلیل است. لازمه رضایت‌مندی زناشویی، شکل‌گیری الگوهای رفتاری و ارتباطی ویژه میان همسران است. منظور از رضامندی فرایندهای سازگارانۀ شناختی، رفتاری و عاطفی است که طی تعامل همسران رخ می‌دهد و بروز نقطه ضعف‌های خاصی در این فرایندها، همسران را آماده بروز ناسازگاری‌های زناشویی می‌کند (هالفورد، ۲۰۰۱، ترجمه تبریزی و همکاران، ۱۳۸۴). پرخاشگری‌های کلامی و فیزیکی (کرو و ریدلی، ۲۰۰۱، ترجمه موسوی، ۱۳۸۴)، شناخت‌های منفی و تعصبات ادراکی (اپستین، ۱۹۹۶ و برادبری، ۱۹۹۰، ترجمه تبریزی و همکاران، ۱۳۸۴) تلافی‌جویی (هالفورد، ۲۰۰۱، ترجمه تبریزی و همکاران، ۱۳۸۴) و خودمحموری (گلاسر و مالارکی، ۱۹۹۳ به نقل از سعیدی و همکاران، ۱۳۸۵) را می‌توان مهم‌ترین نقطه ضعف‌های موجود در این فرایندهای سازگارانۀ میان همسران دانست که از پایه‌های مضمون پایبندی به اخلاق اسلامی در این تحلیل است. نوابی‌نژاد (۱۳۹۲)، نیز بر این نکته تأکید دارد که باتوجه‌به اینکه الگوی ایرانی - اسلامی خانواده اخلاق‌محور است، فرهنگ‌سازی در جهت گسترش اخلاق اسلامی در خانواده مهم‌ترین و کوتاه‌ترین راهبرد نظری و عملی در طراحی الگوی مطلوب خانواده است.

پایبندی به حقوق و وظایف، ششمین مضمون اصلی حاصل از تحلیل است. بنابر بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دین اسلام، زن و مرد دارای وظایف و مسؤولیت‌های مشترک و نیز اختصاصی هستند که به شدت عادلانه و متوازن تنظیم شده، باید به‌دقت شناخته شود و تبلیغ گردد. باید به وظایف زنان و مردان باهم اشاره شود، نه اینکه سنگینی کفه ترازو همیشه به سمت زنان باشد و به مردان، حقوقشان و به زنان، وظایفشان گفته شود. آنچه مسلم است شناخت این حقوق و وظایف سهمی بسزا در پایداری خانواده دارد.

البته لازم به ذکر است که در دین جامع و کامل اسلام، قوانین مربوط به خانه و خانواده در دو بخش حقوق و وظایف و اخلاق و فضایل به‌گونه‌ای مبسوط و مشروح عرضه شده است. زیرا طبیعت خانواده با احکام آمرانه سازگاری ندارد و اگر فقط از ابزار حقوق استفاده شود، بنای

خانواده از درون تهی شده و زن و مردی را که انس و الفت متقابل را پایه زندگی خویش قرار داده‌اند، همچون دو مدعی و متخاصم در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند. اینجا توجه به منافع فردی، جای مصالح خانواده و منافع اجتماعی را می‌گیرد. زن در مقابل اداره منزل، دستمزد طلب می‌کند و یا اعتصاب می‌نماید و به بدرفتاری و کج خلقی متوسل می‌گردد و مرد نیز دم از سلطه و حاکمیت می‌زند و هرچه بیشتر سعی می‌کند غلبه و اقتدار خویش را به رخ حریف مقابل بکشد. بنابراین، باید گفت، آشنایی و روشنگری نسبت به حقوق و آگاهی از وظایف اگرچه فی‌نفسه ممدوح و پسندیده است؛ اما خانواده، به چیزی بیشتر از این نیازمند است و شرط سلامت زندگی مشترک زن و مرد، رهایی از غلاف خودبینی و خودنگری و اساس یک پیوند سالم بر دیگرخواهی، فداکاری و رعایت مصالح مشترک است (میرخانی، ۱۳۷۷).

پژوهش فولادی و شاه‌نعمتی (۱۳۹۲)، توقعات بیجای زوجین از یکدیگر را از عوامل درجه اول طلاق برمی‌شمرد و به‌نظر می‌رسد آگاهی زوجین از حقوق و تکالیف متقابل خود در حل این مشکل مؤثر باشد. کمک و همکاری زوجین یکی از پایه‌های مضمون پابندی به حقوق و وظایف است. پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهد که ایفای نقش نامناسب و فقدان حمایت متقابل، یکی از عمومی‌ترین شکایت‌های زنان از رابطه‌شان و منبع بسیاری از تعارض‌های زناشویی است. این حمایت می‌تواند عملی (مانند کمک کردن به یکدیگر در انجام مسئولیت‌های دیگری) یا عاطفی (مانند گوش دادن همدلانه به درددل‌های همسر) باشد (هالفورد، ۲۰۰۱، ترجمه تبریزی و همکاران، ۱۳۸۴). چنانچه آیت‌الله خامنه‌ای نیز منظور از کمک را بیشتر کمک روحی و معنوی می‌داند. البته از آنجاکه از منظر ایشان، هدف غایی تشکیل خانواده، تعالی زوجین و رسیدن آنها به کمال حقیقی که همان قرب به خدا، تهذیب نفس و کسب فضایل اخلاقی است، می‌باشد، لذا اصلی‌ترین کمک زوجین به هم آن است که یکدیگر را به تقوا، به عبادت، به اخلاص، به امانت، به پاکیزگی و پاکدامنی و انجام کارهای خوب توصیه کنند که این نشان از تفاوت ماهوی فلسفه ازدواج در اسلام با مکاتب غربی دارد. وقت گذاشتن برای همدیگر، یکی دیگر از پایه‌های این مضمون است. براساس پژوهش‌ها نیز، میزان کم فعالیت‌های مشترک مثبت، باعث فروپاشی رابطه می‌شود. فعالیت‌های مشترک مثبت، عاطفه مثبت تولید می‌کند و باعث افزایش فعالیت‌های صمیمانه جدید بین همسران می‌شود. در مقابل، میزان کم فعالیت مثبت در افراد آسیب‌پذیر باعث احساس کسالت

و افسردگی می شود و این حالت به کل رابطه سرایت می کند (هالفورد، ۲۰۰۱، ترجمه تبریزی و همکاران، ۱۳۸۴).

ارضای متقابل جنسی زوجین، هفتمین مضمون اصلی حاصل از تحلیل است. بنابر پژوهش های انجام شده نیز رابطه جنسی ضعیف و ناکارآمد یکی از دلایل عمده بروز ناسازگاری های زناشویی، محسوب شده است (هالفورد، ۲۰۰۱، فولادی و شاهنعمتی، ۱۳۹۲، محسن زاده و همکاران، ۱۳۹۰ و جمشیدی ها و همکاران، ۱۳۹۴). از همین رو، دین اسلام زنان و مردان را ملزم به برآوردن نیازهای جنسی یکدیگر کرده است و این حق را جزء حقوق مشترک آنان قرار داده است (سالاری فر، ۱۳۸۵ و حیدری، ۱۳۸۵). یکی از پایه های این مضمون، مقابله با آزادی های جنسی و جلوگیری از اختلاط ناسالم زن و مرد در حوزه های مختلف فعالیت اجتماعی، در راستای پایداری خانواده است، زیرا این عامل در تضعیف علایق زناشویی و در نهایت، تزلزل بنیان خانواده نقش محوری دارد و در مرحله اول به ضعف انگیزه تشکیل خانواده و در مرحله بعد به ضعف انگیزه حفظ آن و در نتیجه زوال تدریجی موقعیت خانواده در سطح کلان و بروز تنش، اختلاف، سوء معاشرت، خیانت و طلاق در سطح خرد خواهد انجامید. پژوهش عباس زاده و همکاران (۱۳۹۴)، نیز بر این امر صحنه می گذارد.

احیای کرامت زنان و مقابله با تفکرات فمینیستی و متحجرانه، هشتمین مضمون اصلی حاصل از تحلیل است. از نظر آیت الله خامنه ای نفهمیدن مفهوم تکریم زن در اسلام و ترکیب آن با بدآموزی های القاشده به عنوان تکریم زن در تمدن غربی به ایجاد یک جریان غلط فکری و ذهنی انجامیده است و باید در زمینه ارزش و کرامت زن در نظر اسلام بازنویسی، بازبینی و بازگویی شود. هم زمان با مدرنیته و پس از آن، بر مبنای آموزه های فمینیستی و با نام دفاع از حقوق زن، کارکردهای خانواده و موقعیت و جایگاه همسری و مادری دستخوش تغییرات وسیعی شده است. بنابر نظر آیت الله خامنه ای، مؤلفه هایی از فرهنگ غرب باعث سستی بنیان خانواده شده است؛ چراکه این فرهنگ هم به دلیل شناخت ناقص از هویت و شخصیت زن و هم به دلیل تعریف نقش هایی خارج از تکوین و خلقت زن برای او، ضعف شدید کارویژه های خانواده را به دنبال داشته و به تبع آن، اثرات مخربی را در جامعه در پی داشته است (یراقی و ارزانی، ۱۳۹۲). پژوهش چابکی (۱۳۹۲) و عباس زاده و همکاران (۱۳۹۴)، نیز بر این موضوع صحنه می گذارد.

آنچه مسلم است زنان ما باید دریابند که زن در همه جوامع، از جمله در جامعه ما، دچار ستم و کمبودهایی است که بر او تحمیل می‌شود، اما این کمبود، کمبود آزادی به معنای بی‌بندوباری نیست، بلکه کمبود میدان‌ها و فرصت‌ها برای علم، معرفت، تربیت، اخلاق، پیشرفت و شکوفایی استعدادهاست و آرایش و خودآرایی زنان در انتظار، نه تنها آزادی و احترام به زنان نیست، بلکه عامل تحقیر آنان، نشانه مردسالاری و آزادی مردان است؛ چراکه زمینه تمتع جنسی بیشتری را برای آنها فراهم می‌کند (۷۱/۹/۲۵) و بدانند که احترام به زن آن است که به او فرصت داده شود تا نیروها و استعدادها بر جسته و عظیمی را که خدای متعال در او به ودیعه نهاده است، شکوفا کند و حق کرامت الهی زن، بالاترین حقوق زن است که در جهان به اصطلاح مدرن، هرگز شناخته نشده و امروز وقت شناخته شدن آن است.

زن باید هم همسر و مادر خوبی باشد و هم در فعالیت‌های اجتماعی شرکت کند. اشتغال بانوان هیچ اشکالی ندارد، به شرطی که زنان به اهمیت نقش بی‌بدیل همسری و مادری خود و اولویت آن بر سایر نقش‌ها و فعالیت‌های خود آگاه باشند (۹۰/۱۰/۱۴). خانه‌دار بودن زنان نه تنها تحقیر زنان نیست، بلکه احترام به زنان است؛ چراکه تربیت فرزند کاری سخت و هنری بزرگ است (۷۴/۸/۲۲). آنچه مسلم است چنانچه کل جامعه از چنین دیدگاهی نسبت به زنان برخوردار شود و کرامت زنان با چهار راهکار ارائه شده توسط آیت‌الله خامنه‌ای احیا گردد، گامی بسیار مهم در افزایش پایداری زناشویی برداشته خواهد شد.

ایفای نقش مناسب والدین زوجین، نهمین مضمون اصلی حاصل از تحلیل است. در دیدگاه رهبری، والدین زوجین باید از یک سو در افزایش محبت و دوستی زوجین بکوشند و از دخالت‌های بیجا پرهیز کنند و از سوی دیگر ازدواج را تحمیل ننمایند. تحقیقات متعدد انجام شده در زمینه بررسی عوامل ناپایداری خانواده در ایران، حاکی از آن است که تعارض با خانواده همسر جزء پنج عامل اول پیش‌بین طلاق در جامعه ایران بر شمرده شده است (چراغی و همکاران، ۱۳۹۶). پژوهش فولادی و شاه‌نعمتی (۱۳۹۲)، عظیمی و عابدزاده (۱۳۹۲)، محسن‌زاده و همکاران (۱۳۹۰)، جمشیدی‌ها و همکاران (۱۳۹۴)، قلی‌زاده و همکاران (۱۳۹۴)، نیز نشان داده است که مداخله پدر و مادر و اقوام، تعارض با خانواده همسر و ازدواج‌های تحمیلی و نسنجیده از علل زمینه‌ساز طلاق در ایران هستند.

باتوجه به نتایج تحلیل می‌توان گفت که مجموعه بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در زمینه خانواده، حاوی مفاهیم و محورهای یگانه و منحصر به فردی در زمینه پایداری خانواده است که می‌تواند در بافت فرهنگی ایران در جهت تقویت و درمان خانواده مؤثر باشد. در نهایت، به سایر علاقه‌مندان پژوهش در این زمینه پیشنهاد می‌شود تا با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای، نظریه منبعث از این تحلیل را استخراج نمایند و به کمک پژوهش‌های آزمایشی، اثربخشی آن را نشان دهند. همچنین به درمانگران علاقه‌مند به حوزه درمان‌های بومی - اسلامی پیشنهاد می‌شود تا از مضامین مستخرج، فن‌های درمانی استخراج کنند.

#### منابع

- قرآن کریم
- آیت‌اللهی، ز. (۱۳۸۱)، زن و خانواده، تهران: شورای فرهنگی - اجتماعی زنان.
- افروز، غ. (۱۳۸۶)، روان‌شناسی خانواده: همسران برتر، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- انصاریان، ح. (۱۳۸۵)، نظام خانواده در اسلام، قم: انتشارات ام‌ابیه.
- پورمیرصالح، ر؛ اسماعیلی، م؛ فرح‌بخش، ک. و ذکایی، م.س. (۱۳۹۴)، بررسی نظام ارزش‌شناسی دینی در گفتگوهای درون‌شخصی زوجین مذهبی برخوردار از سازگاری زناشویی بالا، پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، سال پنجم، شماره ۲: ۱۱۵-۱۰۰.
- جمشیدی‌ها، غ. و صادقی، س. (۱۳۹۲)، نگرش جامعه‌شناختی بر تأثیر فرهنگ مدرن از منظر جنسیتی بر تحولات خانواده در تهران، نشریه زن در فرهنگ و هنر، دوره ۵، شماره ۲.
- جمشیدی‌ها، غ؛ نریمانی، س. و جمالی، ع. (۱۳۹۴)، آسیب‌شناسی اجتماعی طلاق در جامعه شهری ایران، مهندسی فرهنگی، سال دهم، شماره ۸۵.
- چابکی، ا. (۱۳۹۲)، مطالعه بین‌نسلی نگرش به طلاق و کارکردهای خانواده در زنان شهر تهران، مطالعات زن و خانواده، دوره ۱، شماره ۱.
- چراغی، م؛ مظاهری، م.م.؛ موتابی، ف. و پناغی، ل. (۱۳۹۶)، مقیاس سیستمی - مثلثی خانواده: ابزاری برای سنجش روابط همسران و خانواده‌های اصلی آنها، خانواده‌پژوهی، شماره ۵۱: ۳۶۰-۳۴۳.
- حاجیان‌مقدم، ف. (۱۳۹۲)، فراتحلیل مطالعات خانواده: عوامل مقوم و عوامل فرساینده خانواده ایرانی.
- حسینی، ن؛ فرح‌بخش، ک. و فاتحی‌زاده، م. (۱۳۹۱)، بررسی و مقایسه میزان به‌کارگیری آموزه‌های اسلامی خانواده‌محور در خانواده‌های سالم و آشفته، روان‌شناسی و دین، سال پنجم، شماره اول.
- حیدری، م. (۱۳۸۶)، دینداری و رضامندی خانوادگی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

- خادمی، م. و عابدی، ف. (۱۳۹۳)، اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی مبتنی بر آموزه‌های دینی بر خوشبینی و سازگاری زناشویی، *مطالعات روان‌شناختی*، شماره ۴۰: ۴۷-۲۸.
- دانایی‌فرد، ح. (۱۳۸۷)، ارتقای روایی و پایایی در پژوهش‌های کیفی مدیریتی: تأملی بر استراتژی‌های ممیزی پژوهشی، *پژوهش‌های مدیریت*، سال اول، شماره اول: ۱۶۲-۱۳۱.
- دانش، ع. و حیدریان، م. (۱۳۸۳)، رابطه علاقه و احترام متقابل با رضایت زناشویی همسران در شهرستان قم، *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، شماره ۱۸: ۷۶-۵۹.
- سالاری‌فر، م. (۱۳۸۵)، *درآمدی بر نظام خانواده در اسلام*، قم: نشر هاجر.
- سالاری‌فر، م؛ یونسی، س.ج.؛ شریفی‌نیا، م. و حسن‌آبادی، ح. (۱۳۹۵)، مقایسه کارآمدی مداخلات اسلامی و درمان شناختی - رفتاری توسعه‌یافته در افزایش رضایت زناشویی زوج‌ها، *روان‌شناسی و دین*، شماره ۳۳: ۴۲-۲۷.
- سرایی، ح. و اوچاقلو، س. (۱۳۹۲)، مطالعه نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران مطالعه موردی: زنان شهر زنجان، *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال پنجم، شماره چهارم.
- سعیدی، لیلا؛ بهرامی، فاطمه. و اعتمادی، عذرا. (۱۳۸۵)، بررسی اثربخشی زوج‌درمانی کوتاه‌مدت راه‌حل‌مدار بر کاهش تعارضات زوجین شهرستان خمینی‌شهر اصفهان، *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، شماره ۲۰: ۵۲-۳۹.
- سلیمانیان، علی‌اکبر. و ریحانی، رضا. (۱۳۹۶)، رابطه میان شخصیت و اعتقادات ناکارآمد با کیفیت زناشویی، *مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی*، دوره سوم، شماره ۱: ۶۵-۵۳.
- سلیمی، الهه؛ کلاتر، محمد. و گلزاری، محمود. (۱۳۹۶)، مقایسه عملکرد خانواده از دیدگاه قرآن (آیه ۲۱ سوره روم) در میان زنان متقاضی طلاق و زنان غیرمتقاضی شهر اراک، *روان‌شناسی و دین*، شماره ۳۷: ۸۵-۶۵.
- صادقیان، احمد. (۱۳۸۷)، قرآن و بهداشت روان، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- طاهرزاده، اصغر. (۱۳۸۸)، زن آن‌گونه که باید باشد، اصفهان: نشر لب‌المیزان.
- طباطبایی، سید. محمدحسین. (۱۳۹۴)، *تفسیرالمیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طلاییان، رضوانه. و زهراکار، کیانوش. (۱۳۹۴)، بررسی التزام عملی به اعتقادات اسلامی و سبک‌های اداره تعارض زناشویی به‌عنوان عوامل پیش‌بینی‌کننده طلاق، *روان‌شناسی و دین*، سال هشتم، شماره چهارم، پیاپی ۱۰۰: ۱۱۵-۱۰۰.
- عابدی، حسن؛ تسلیمی، محمد سعید؛ شیخ‌زاده، محمد. و فقیهی، ابوالحسن. (۱۳۹۰)، تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده، *اندیشه مدیریت راهبردی*، سال پنجم، شماره دوم: ۱۹۸-۱۵۱.

- عباس‌زاده، محمد؛ سعیدی عطایی، حامد. و افشاری، زهرا. (۱۳۹۴)، مطالعه برخی عوامل جریان مدرنیته مؤثر بر گرایش زنان به طلاق مورد مطالعه: زنان متأهل شهر زنجان، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، شماره ۹.
- عظیمی، محمود. و عابدزاده، مهرانز. (۱۳۹۲)، بررسی عوامل مؤثر بر بروز طلاق عاطفی میان زوجین در خانواده، مطالعات جامعه‌شناختی ایران، سال سوم، شماره ۱۰.
- فقیهی، علیرضا. (۱۳۸۶)، آموزش‌های روان‌شناختی مبتنی بر قرآن و حدیث و بررسی تأثیرات روانی و تربیتی آن در روابط همسران، تربیت اسلامی، سال دوم، شماره ۴: ۸۹-۱۳۰.
- فلاحی، روح‌الله؛ روشنفکر، پیام. و پورکسمایی، مریم. (۱۳۹۱)، بررسی بین‌نسلی نگرش نسبت به طلاق، راهبرد اجتماعی و فرهنگی شماره دوم، سال اول، شماره دوم.
- فولادی، اصغر. و شاه‌نعمتی، نویده. (۱۳۹۴)، بررسی علل طلاق در استان آذربایجان شرقی، تبریز، جامعه‌پژوهی فرهنگی، سال ششم، شماره دوم.
- قاسمی، سیمین. و اعتمادی، عذرا. (۱۳۹۵)، رابطه بین پایبندی مذهبی و بخشش با کیفیت روابط زوجین و خانواده همسر در زنان، روان‌شناسی و دین، شماره ۳۴: ۹۷-۱۰۹.
- قدسی، علی محمد؛ بلالی، اسماعیل. و عیسی‌زاده، سعید. (۱۳۹۰)، تعلق و طلاق بازدارنده‌های اقتصادی اجتماعی، توسعه اجتماعی، دوره پنج، شماره ۳ و ۴.
- قلی‌زاده، آذر؛ بانکی پورفرد، امیرحسین. و مسعودی‌نیا، زهرا. (۱۳۹۴)، مطالعه کیفی تجارب مردان و زنان طلاق‌گرفته از عوامل فرهنگی زمینه‌ساز طلاق. جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست‌وششم، شماره ۱.
- کرو، مایکل. و ریذلی، جین. (۱۳۸۴)، زوج‌درمانی کاربردی با رویکرد سیستمی - رفتاری، ترجمه اشرف‌السادات موسوی، تهران: نشر مهر کاویان.
- محسن‌زاده، فرشاد؛ نظری، علی محمد. و عارفی، مختار. (۱۳۹۰)، مطالعه کیفی عوامل نارضایتی زناشویی و اقدام به طلاق (مطالعه موردی شهر کرمانشاه)، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۵۳.
- میرخانی، عزت‌السادات. (۱۳۷۷)، تأکید بر اخلاق، تلطیف در حقوق: دو ضرورت ناگسستنی خانواده، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲: ۴۵-۲۴.
- نوابی‌نژاد، شکوه. (۱۳۹۲)، الگوی ایرانی - اسلامی خانواده اخلاق‌محور است، دومین کنفرانس الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت.
- نوبین، جنان. و بهرامی، هادی. (۱۳۹۵)، طراحی و ارزیابی اثربخشی آموزش آموزه‌های دینی - روان‌شناختی بر رضایت زناشویی، فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، شماره ۲۸: ۷۵-۶۱.
- هالفورد، کیم. (۱۳۸۴)، زوج‌درمانی کوتاه‌مدت، ترجمه مصطفی تبریزی، مژده‌کاردانی و فروغ جعفری، تهران: نشر فراروان.



- یراقی، سعیده. و ارزانی، حبیب رضا. (۱۳۹۲)، آسیب‌شناسی خانواده در فرهنگ غرب از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، دوره ۳، شماره ۳، پیاپی ۳۳.
- یونسی، سید. جلال. و مقصودزاده، مصطفی. (۱۳۹۲)، اثربخشی آموزش مسائل دینی بر رضایت زناشویی زوجین، روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، شماره ۱۳: ۷۵-۶۱.
- Abbasi-Shavazi, M. J., & McDonald, P. (2008). Family Change in Iran: Religion, Revolution, Boyatzis, R. E. (1998). Transforming qualitative information: thematic analysis and code Braun, V. & Clarke, V. (2006), "Using thematic analysis in psychology."
- Brown, E., Orbuch, T. L. & Bauermeister, J. A. (2008). Religiosity and marital stability among black American and white American couples. *Family relations*, 57(2), 186
- Bryan, C.M. (2011). Predicting relationship stability among midlife African American couples. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 79(6), 814-825.
- Cutrona, C. E. Russell, D W. Burzette, R. G., Wesner, K. A & development. Sage Publications.
- David, P. & Stafford, L. (2013). A Relational Approach to Religion and Spirituality in marriage The Role of Couples' Religious Communication in Marital Satisfaction. *Journal of Family Issues*, 33(2),
- Ellison, C. G., Burdette, A. M. & Bradford, W. (2010). The Couple That Prays Together: Race and Ethnicity, Religion, and Relationship Quality Among Working-Age Adults. *Journal of Marriage and Family*, 72(4), 963-975.
- Fincham, Frank D.; Ajayi, Christine; Beach, Steven R. H. (2011). Spirituality and marital satisfaction in African American couples. *Psychology of Religion and Spirituality*, 3(4), 259-268.
- Lambert, N. & Dollahite, D. (2006). How religiosity helps couples prevent, resolve and overcome material conflict. *Family relations*, 55(4), 439-449.
- Orathinkal, J. & Vansteewegen, A. (2006). Religiosity and marital satisfaction. *Journal of Contemporary Family Therapy*, 28(4), 497-504.
- Schramm, D. G., Marshal, J. P., Harris, V. W. & Lee, T. R. (2012). Religiosity, Homogamy and Marital Adjustment. *Journal of Family Issues*,. 33(2) , 246-268